

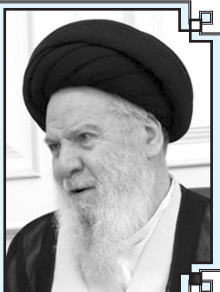
«...دعواهای ما دعوائی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوائی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم...
دعوائی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



حضرت آیت الله
موسوی اردبیلی:

دامن زدن به
اختلافات مذهبی،
توطئه دشمن است



سال سی و پنجم ♦ شماره ۱۰ ♦ شماره مسلسل ۱۴۸۰ ♦ نیمه دوم مرداد ماه ۱۳۹۳ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

گذر و نظری بر چرایی و چگونگی چرخش فکری شیخ یوسف قرضاوی در گفتگوی «جوان» با استاد خسرو شاهی



اشاره : امروزه و در قلمرو اندیشه و افتای دینی «شیخ یوسف عبدالله القرضاوی» به عنوان یکی از منادیان و مرئسان «تکفیر» و «خشونت» شناخته می‌شود. این اما، ویژگی شیخ در تمامی ادوار حیات و فعالیت های دینی او نیست، چه او که در گذشته ای نه چندان دور، از حامیان گفتگو و تقریب مذاهب اسلامی و مخالفان تکفیر بوده است! باز خوانی سیر

این چرخش فاحش، از آن روی درخور توجه است که نمایانگر تأثیرپذیری برخی نخبگان فکری جهان اسلام و از جمله او، از وسوسه ها و سیم و زر کانون های قدرت تواند بود.

در گفت و شنودی که پیش روی دارید، استاد فرزانه و پژوهشگر گرانمایه حجت الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی که با شیخ قرضاوی سابقه ای به درازای نیم قرن دارد، به بازگویی خاطرات و تحلیل های خویش از علل چرخش ناگهانی شیخ از «تقریب» به «تکفیر» پرداخته اند. با سپاس از جناب استاد که این بار نیز به گونه ای مستند پاسخگوی پرسش های «جوان» شدند. محمدرضا کائینی - روزنامه جوان - شماره ۴۲۹۴ - سه شنبه ۲۴ تیر ۱۳۹۳

با توجه به آشنایی و ارتباط دیرینه جنابعالی با رهبران حرکت های اسلامی معاصر، بی تردید با طرز تفکر «شیخ یوسف عبدالله القرضاوی» هم آشنایی کامل دارید و گویا نامبرده در گذشته ای نه چندان دور، هوادار طرح تقریب بین مذاهب اسلامی بود و سپس فتوایی هم در ضرورت وحدت مسلمین و عدم تکفیر پیروان مذاهب اسلامی صادر کرده است. اگر امکان دارد، توضیحاتی در این باره ارائه بفرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم. پس از برگزاری کنفرانس بین المللی: «مذاهب اسلامی و چالش های معاصر» در آبان ۱۳۸۴ در شهر «آمان» فتوای شیخ قرضاوی به همراه فتاوی ده ها نفر از علمای شیعه و سنی به عنوان یک سند مهم تاریخی در اردن ثبت شد و در کتاب «اجماع المسلمین علی احترام مذاهب الدین» با مقدمه مرحوم شیخ سید محمد طنطاوی، شیخ الازهر، در ۸۰۰ صفحه و در آمان به چاپ رسید. متن فتوای شیخ قرضاوی در صفحات ۱۵۹ تا ۱۸۶ این کتاب آمده است. این فتوا و سایر فتاوی علمای دیگر مذاهب اسلامی همراه با دستخط یا امضای اصلی آن ها منتشر شده که بیانگر معتبر بودن، صحت و سندیت آن هاست.

بنده ترجیح می‌دهم در مقدمه این گفت و شنود، نخست خلاصه ای از ترجمه فتوای وی درباره «شیعه و تکفیر» را ذکر کنم، با این توضیح که فتاوا و رساله های شیخ در آن دوران، علل انحراف بعدی او از راه صواب را نشان نمی دهد. اما متأسفانه او در اواخر عمر خود کژراهه رفت! شیخ شهید سعید رمضان البوطی، در آخرین سخنرانی ای که از تلویزیون سوریه پخش می شد و اتفاقاً بنده آن را دیدم و پیگیری کردم، درباره شیخ قرضاوی گفت: «او که مانند من در چند متری گور قرار گرفته متأسفانه از حقیقت دور شده است.» شاید همنشینی و همراهی با شیوخ و مبذرین نفت خوار عرب یا هواداران تجدید حیات خلافت عثمانی، او را دچار چنین سرنوشت شومی ساخته و جزو اخوان آن ها کرده است که «إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» (۱)

از شیخ یوسف قرضاوی در کنفرانس مزبور، مانند تمام علمای شیعه و سنی حاضر، سوالات ذیل صورت گرفته است:

۱- آیا پیروان مذاهب اسلامی غیر سنی، مسلمان حقیقی هستند؟

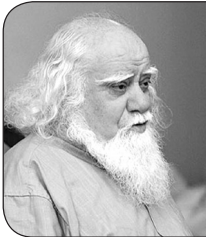
۲- آیا می توان به پیروان سایر مذاهب نسبت کفر داد؟

۳- مرز تکفیر در عصر ما چیست؟

ادامه در صفحه ۴

برگزاری نشست رونمایی از کتاب «قبله و قرآن» اثر علامه حکیمی

وحدت اسلامی تنها راه پیروزی بر صهیونیست های جنایتکار



صفحه ۲



پاکسازی نژادی؛

هویت بحرینی ها در معرض تهدید

صفحه ۴



دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:

اتفاقات تلخ جهان
اسلام زمینه مناسبی
برای تقریب ایجاد
خواهد کرد

صفحه ۳



حجت الاسلام والمسلمین مختاری:

تدوین موسوعه
۵۰ جلدی احادیث
مشترک شیعه و سنی
به پایان رسید

صفحه ۳

دکتر لاریجانی عنوان کرد:

وقاحت تمام آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد

نماینده مردم قم در مجلس گفت: درگیری مصدق با مجلس به خاطر اختیار همه جانبه موضوع دیگر مهم در ماجرای کودتاست مصدق پس از ۳۰ تیر تمام اختیارات قانونی مجلس را برای تمام امور کشور اعم از اداری، قضایی، نظامی در اختیار خود گرفت. در حالی که خود مصدق قبلاً با اخذ اختیارات توسط دولت ها برای اصلاح دادگستری و گمرکات کشور مخالفت داشت و آن را نه قانونی و نه مصلحت کشور می پنداشت اما در شرایط جدید مصدق اصرار



رئیس مجلس در نطق پیش از دستور گفت: آمریکا از هر مجالی بهره می جوید تا نقش خود را در منطقه با رنگ و لعاب تثبیت کند.

دکتر علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در نطق پیش از دستور خود در جلسه علنی سه شنبه ۲۸ مرداد با اشاره به سالروز کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ گفت: این کودتا از وقایع تاریک تاریخ معاصر ایران است سال ۱۳۳۲ در چنین روزی «روزولت» رئیس جمهور آمریکا با ارسال دلاها و طراحی

سرویس اطلاعاتی ایالات متحده کودتای ننگینی را در ایران سامان داد.

وی افزود: چند دهه حکومت دیکتاتوری وابسته به پهلوی صغیر را بر ملت ایران تحمیل کرد، بررسی کلی این حادثه چند نکته اساسی را نشان می دهد که چه عواملی در بروز کودتا موثر بودند.

رئیس مجلس با اشاره به عوامل موثر در کودتای ۲۸ مرداد تصریح کرد: اختلافات زیاد سیاسیون و مخالفت مصدق و آیت الله کاشانی یکی از عوامل جدایی دولت مصدق از بنده مردم گردید به طوری که در شرایط کودتا حیرت و آشفتگی در جامعه وجود داشت این در حالی است که از مجلس دوره پانزدهم همکاری سیاسیون ملی با استیضاحی شروع شد که دکتر بقایی و دو نفر از همکاران وی حسین مکی و ابوالحسن حائری زاده از دولت ساعد به عمل آوردند و حرکت بعدی آن ها با همکاری در جهت مخالفت با قرارداد امپریالیستی نفت گس-گلشائیان پذیرفت.

وی افزود: نتیجه این همکاری ها باعث شد تا در دوره ۱۶، هشت نفر از وکلای طرفدار نهضت ملی با محوریت مصدق و آیت الله کاشانی ملی شدن صنعت نفت را به ثمر برسانند. رئیس قوه مقننه ادامه داد: همین هماهنگی سیاسی رجال برجسته ملی باعث شد که دولت مصدق در ماجرای ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ موفق شود و در آن ماجرا همه عناصر استعماری و سلطنت طلب در داخل تلاش کردند با روی کار آوردن مجدد قوام السلطنه جریان مترقی آزادی خواهی را سرکوب کنند.

دکتر لاریجانی اظهار داشت: فاصله ۲۶ تیر ۳۰ تیر مبارزه بی امانی علیه قوام شکل دادند؛ نقش آیت الله کاشانی در کشاندن مردم به صحنه بسیار زیاد بود و بیانه مهم او علیه قوام به نحوی بود که مردم به میدان حفظ و صیانت از دستاوردهای خود و جنبش ملی شدن صنعت نفت آمدند اما درست یک سال بعد در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به دلیل اختلاف برخی از ملیون با آیت الله کاشانی با مصدق عملاً مردم از صحنه خارج شدند آمریکا و شاه با کمک عده ای اوباش توانستند در تهران میدان داری کنند.

داشت لایحه اختیارات دولت تمدید شود مخالفین مثل آیت الله کاشانی و ملیون مثل بقایی تصور می کردند مصدق می خواهد با تمدید اختیارات مجلس را به آلت معطله ای تبدیل کند و با لایحه امنیت اجتماعی مخالفان خود را سرکوب کند و همین اختلاف نظر باعث جدایی و درگیری بین همان کسانی شد که چه در مجلس پانزدهم و شانزدهم همکاری آن ها باعث توفیق در نهضت ملی و رفع ماجرای ۳۰ تیر شد.

آقای لاریجانی با بیان این که طرح رفارندم غیرقانونی انحلال مجلس هفدهم توسط مصدق نکته دیگری در زمینه کودتای ۲۸ مرداد بود گفت: این مهم زمینه را برای کودتای فراهم کرد چون در این مجلس مصدق از تمدید همه اختیارات مجلس عدول نمی کرد اختلاف را به سوی حذف رقبای سیاسی خود کشاند و تئوری رفارندم برای انحلال مجلس را مطرح کرد.

وی افزود: دکتر صدیقی وزیر کشور دولت مصدق با نظر مصدق به سه دلیل مخالفت نمود اول او به مصدق گفت این مجلسی است که خود شما در دولت خود فراهم کردید و گفتید ۸۰ درصد نمایندگان منتخب واقعی مردم هستند و همین مجلس تمام لواایح و نظرات شما را تاکنون تصویب کرده است شما نباید اخلاقاً آن را منحل کنید دوم از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۳۲ یعنی ۴۷ سال غیر از شاه کس دیگری نخست وزیران را معین نکرده بنابراین پس از رفارندم و انحلال مجلس شما را عزل خواهد کرد، جواب مصدق این بود شاه جرات این کار را ندارد سوم من به عنوان وزیر کشور قادر به انجام چنین رفارندمی نیستم لذا شما این کار را به کسی دیگری بسپارید مصدق اصرار کرد که صدیقی تا پس فردا مخالفت خود را بیان نکند تا درباره آن مجدداً صحبت کنند در این فاصله مصدق دستور داد که وکلای طرفدارش استعفا دهند که حدود ۵۸ نفر شدند و روز شنبه به صدیقی گفت ما نمی خواهیم مجلس را منحل کنیم و کلاً خودشان استعفا دادند مملکت هم بدون مجلس نمی شود و این وضع را از مردم می پرسیم که مجلس بماند یا برود.

ادامه در صفحه ۲

نشست رونمایی از کتاب «قبله و قرآن» اثر استاد محمدرضا حکیمی در مجتمع فرهنگی انقلاب اسلامی (سرچشمه) با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مبلغی و حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالکریم بی‌آزار شیرازی از اساتید دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی و همچنین دکتر عزیزالله بابایی عضو جماعت دعوت و اصلاح اهل سنت ایران و دکتر خالد قدومی مسئول دفتر جنبش حماس در تهران برگزار شد.

بنابراین گزارش، در ابتدای این نشست حجت‌الاسلام دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی با بیان اینکه استاد حکیمی از شخصیت‌های بزرگ اسلام و شیعه است، گفت: یکی از کتاب‌های گرانقدر وی که در سطح والایی نگاشته شده کتاب «الحیات» است که یکی از کمبودهای شیعه همین کتاب بود چرا که کتاب‌های حدیثی شیعیان کمتر غریال شده و در کتاب‌های ما روایت‌های صحیح و غیر صحیح در کنار هم است و برخی در ماهواره‌ها به روایت‌های ضعیف استاد کرده و روی آنها مانور می‌دهند.

وی با بیان اینکه این احادیث مورد تأیید علمای ما نیست، افزود: استاد حکیمی محاسن کلام اهل بیت (ع) را به سبک روز در «الحیات» جمع‌آوری کرده است و قدر این کتاب روز به روز بیشتر آشکار می‌شود.

این استاد دانشگاه با بیان اینکه حکیمی شیعه‌ای عالم و اصیل است، تأکید کرد: ما شیعه و سنی بدلی زیاد داریم و چون اصلی و اصیل گران‌بهاست کمتر به سراغ می‌روند؛ در ادیان نیز اصیل‌ها چون به سادگی امور را مطرح نکرده‌اند اقبال کمتری دارند و مردم اغلب به سراغ فرقه‌های بدلی می‌روند.

وی افزود: فرقه‌ای در اسلام اصیل است که دعوت به وحدت کرده است چرا که توحید تنها به یک خدا اعتقاد داشتن نیست بلکه همانگونه که امام خمینی (ره) گفتند توحید ثمره دارد و ثمره آن این است که همه بداند بنده یک خدا هستند و کلمه توحید موجب توحید کلمه‌ای و موجب وحدت شود لذا فرقه‌هایی که به تفرقه دعوت می‌کنند بدلی و زمینی‌اند نه آسمانی.

دکتر بی‌آزار شیرازی با اشاره به سوابق خود در عرصه تقریب و کتابت اثر «مشعل اتحاد» با همکاری محمدرضا حکیمی تأکید کرد: استاد حکیمی بر استعمارشناسی و مطالعه تاریخ اصرار دارند چرا که امت اسلامی اشتباهات گذشته را تکرار می‌کند چه اینکه در فرازی از نهج‌البلاغه که در ابتدای کتاب «قرآن و قبله» آمده است نوشته شده تا وقتی مسلمانان متعهد و هم دل و هم‌آهنگ بودند و به هم کمک می‌کردند قدرتمند بودند و از زمانی که متفرق شدند عزت و قدرت را از دست دادند.

وی گفت: استعمار همواره تلاش کرده میان مسلمانان تفرقه بیندازد و حیاتش در تفرقه است،

دکتر بی‌آزار شیرازی با اشاره به پیشنهاد علامه حکیمی در برپایی رشته استعمارشناسی به داستانی درباره نقش استعمار در برهم زدن تقریب بین مذاهب اسلامی اشاره کرد و گفت: آیت‌الله قمی دبیرکل دارالتقریب اسلامی الازهر به من گفت که جواز پیروی از مکتب جعفری قبل از استاد محمود شلوت قرار بود توسط استاد عبدالمجید سلیم صادر شود که اگر اینگونه می‌شد اهمیت بیشتری داشت و برای این کار تمام مقدمات فراهم شده بود و قرار بود در جلسه‌ای در الازهر این فتوا صادر شود.

وی افزود: آیت‌الله قمی می‌گفتند چند روز بعد بسته‌های پستی به نام تک‌تک اعضای دارالتقریب ارسال شد که کتابی بود که در آن بر وجوب سب و لعن جبت الطاغوت تأکید شده بود و کتاب منسوب به یکی از بزرگان صفویه بود.

بی‌آزار شیرازی ادامه داد: چند روز بعد در هنگام جلسه دیدم همه اعضا عصبانی هستند و می‌گویند ما از شیعه‌ای حمایت می‌کنم که به بزرگان ما سب و لعن می‌کنند. پس از سخنان اعضا شیخ عبدالمجید سلیم بلند شد و گفت آیا اگر کسی به پدر شما توهین کرد از

برادری اسلام خارج می‌شود همه گفتند نه؛ او گفت آنانی که به صحابه توهین کردند به پدران ما توهین کرده‌اند اما از برادری اسلام خارج نمی‌شوند و ثانیاً اگر چنین مشکلی نبود ما اینجا جمع نمی‌شدیم و سوماً آیا تمبر روی بسته‌ها را دیده‌اید که همگی از اروپا است؛ و این نقش استعمار است که باید پند بگیریم.

عضو جماعت دعوت و اصلاح اهل سنت ایران: ثمره وحدت اسلامی آزادی قدس است
در ادامه این مراسم، دکتر عزیزالله بابایی استاد دانشگاه و عضو جماعت دعوت و اصلاح اهل سنت ایران با بیان اینکه کتاب‌های استاد حکیمی را خوانده است، گفت: این نشان می‌دهد که می‌توان چنان نگاشت و درباره وحدت سخن گفت که من اهل سنت شافعی از کتاب‌های یک عالم شیعی استفاده کنم.

وی به حوادث این روزها در فلسطین اشاره کرد و افزود: قدس و قدسیت قدس تنها مربوط به ۸ میلیون و فلسطینی و ۳۰۰ میلیون عرب نیست بلکه قدس محل نبوت موسی و عیسی و محل نزول تورات و انجیل و محل عبور ابراهیم و عروج پیامبر اکرم (ص) و قبله اول مسلمین و الویت جهان اسلام است.

بابایی با تأکید بر وحدت اسلامی گفت: ثمره این وحدت آزادی قدس است و دشمنان این وحدت و آزادی قدس تلاش می‌کنند که آتش جنگ‌های مذهبی را شعله‌ور سازند تا کشورهای اسلامی به دست خود مسلمانان تخریب شود.

وی افزود: دلسوزان باید برخورد قاطع کنند و از بین رفتن این غده سرطانی را در اولویت اول جوامع اسلامی قرار دهند و مشروعیت سیاسی آن را به جهانیان بیان کنند و به جامعه فلسطین کمک کنند که همه آنها بدون خشونت و کشتار زندگی کنند.

این استاد دانشگاه پیروزی غزه را مقدمه آزادی مسجدالاقصی دانست و تصریح کرد: متأسفانه برخی جریانات در شیعه و سنی و در ایران و خارج از ایران برادر کشی، تکفیر و مشرک دانستن دیگران را اولویت قرار می‌دهند. این در حالی است که اگر به پروتکل‌های صهیونیست‌ها نگاه بیندازیم می‌بینیم که غزه و فلسطین تنها هدف آنها نیست بلکه هدف نیل تا فرات و حتی شهر مدینه است و در اینجاست که حماس و مقاومت لبنان و فلسطین سپر جان مسلمانان شده‌اند.

بنابراین گزارش درادامه این مراسم، حجت‌الاسلام احمد مبلغی رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی در سخنانی صاحبان اندیشه را به سه بخش تقسیم کرد و گفت: صاحبان اندیشه یا جزئی و قطعه‌ای می‌نگرند یا مجموعه‌ای جزیره‌ای و یا دارای اندیشه‌های منظومه‌ای مجمع‌الجزایری هستند.

وی به معرفی این سه گروه پرداخت و اظهار کرد: گروه اول صرفاً اندیشه‌ای را جدا از قطعات دیگر فهم می‌کنند و شناختی از نقش متقابل اندیشه‌ها ندارند؛ گروه دوم از گروه اول مثبت‌تر است و اندیشه را در ارتباط با هم می‌بیند

برگزاری نشست رونمایی از کتاب «قبله و قرآن» اثر علامه حکیمی

وحدت اسلامی تنها راه پیروزی بر صهیونیست‌ها

اما بخشی از اندیشه‌ها را درک کرده و یک به نوعی یک جزیره را درک می‌کند و بقیه را مرتبط نمی‌داند.
آقای مبلغی ادامه داد: این گروه تنها در یک منطقه از مناطق جغرافیای فکری جهان اسلام حیات دارد و مثلاً تنها شیعه را می‌بیند و وقتی به آیاتی چون امت واحده برمی‌خورد به سرعت از آنها عبور می‌کند.

وی به معرفی صاحبان اندیشه منظومه‌ای و سیستمی با نگاه مجمع‌الاجزایی پرداخت و تأکید کرد: این گروه اسلام را دارای جزایر مرتبط، منسجم، متحد و دارای هدف واحد در جهت محقق ساختن حوادث خاص تحلیل می‌کند و صاحبان این اندیشه سریع از اندیشه‌ای به اندیشه‌ای دیگر می‌رود و مغز و ریشه آنها را درمی‌یابد و از کربلا به غزه می‌رسد و از اندیشه مقاومت تاریخی شیعه مقاومت اسلامی را می‌خواند.

رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی ادامه داد: این گروه در چهره فرهنگ، اقتصاد را می‌بند و از در سیاست وارد می‌شود و همچنین اندیشه شیعه آنها را به تعصب و مقابله نمی‌خواند بلکه آنها را به دلسوزی و اهتمام به حال امت اسلامی هدایت می‌کند و از یاد و نام قبله هدف واحد می‌خواند و اسلام را سیستمی می‌داند.

حجت‌الاسلام مبلغی با بیان اینکه این گروه افراد وحدت اسلامی برای‌شان چون روز بودن روز است، تأکید کرد: آنها بیش از هر چیز از تعصب مذهبی می‌ترسند و حدیث «من أصبح ولم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم» را با تمام جان و دل درک می‌کنند و اگر در غزه هزاران نفر کشته شوند آسوده نیستند که بگویند او از مذهب من نیست.

وی افزود: این گروه امت اسلامی را به قربانگاه مذهب نمی‌برند و اهتمام‌شان به امت روح سیلان یافته، جریان یافته و نهادی شده است و در این جهان چنین انسان‌هایی برنده می‌شوند.

حجت‌الاسلام مبلغی علامه حکیمی را چنین شخصیتی دانست و ادامه داد: در نظر او وحدت امت اسلامی واجب است و او از خاستگاه شیعه به امت واحده می‌رسد و از فرهنگ به اقتصاد راه می‌یابد و جهان را یک کل می‌بیند و این نگاه به او در کتاب قرآن و قبله که امروز رونمایی میشود، دیده می‌شود چه اینکه این کتاب اگر چندمقاله‌ای بیش نیست اما ادبیات جهانی دارد.
بنابراین گزارش آخرین سخنران این مراسم خالد قدومی رئیس دفتر جنبش حماس در تهران بود که با اشاره به اینکه قرآن رمز وحدت امت اسلامی است، گفت: اگر در جهان به مردم بنگریم اکثر آنها در منطقه خاکستری‌اند و اگر در تاریخ رخدادی بوده که این معادله برهم خورده و قبله خونین شده آن حادثه کربلا بوده است.

وی با اشاره به آیاتی از قرآن کریم که در آنها بر امت واحده تأکید شده است، افزود: این آیات نشان می‌دهد مردم عامه امت واحده نیستند اما هنگامی که خداوند پیامبرش را خطاب قرار می‌دهد امت واحده می‌شوند این یعنی اقتضا

دکتر لاریجانی عنوان کرد:

وقاحت تمام آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد

اصرار داشتند که مردم را به کمک بطلییم و توطئه را شکست دهیم ولی مصدق مخالفت می‌کرد فاطمی با عصبانیت فریاد زد «این پیرمرد همه ما را به کشتن می‌دهد» اعتماد بلاوجه مصدق به آمریکا و بی‌توجهی به موفقه‌های امنیت ملی فرصت برای شاه ایجاد کرد تا با آمریکا کودتا را به سرانجام برساند
مهمترین مسائل امنیت ملی کشور در شرایط بحرانی ۲۵ تا ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ با سهل انگاری و تشدید اختلافات و عدم اتکا به مردم و بی‌تصمیمی به سقوط دولت مصدق منجر شد و آمریکا توانست چند دهه سلطه مطلق بر ایران پیدا کند و منابعی ایران را به غارت ببرد و مبارزان را به سلاخی بکشاند.

آقای لاریجانی گفت: امروز آمریکا با بی‌جایی این بحران سیاه چپاول و استثمار ایران را نمی‌خواهد ببیند و با تبلیغات اغواگرایانه و پرستیژی دروغین در حمایت

و نتیجه هدایت وحدت است و نتیجه ضلالت تفرقه است.
قدومی با اشاره به تاریخ جهان اسلام تأکید کرد: از تاریخ می‌فهمیم که اختلافات طائفه‌ای در جای رخ می‌داده که منافع سیاسی و دینی با هم برخورد داشته است و اختلافات از جناح‌بندی‌های سیاسی بوده است.

وی با اشاره به گفته شدن ۴ اذان در مسجد اموی دمشق افزود: مذاهب چهارگانه اهل سنت تا دهه ۶۰ قرن بیستم برای خودنمایی هر کدام در زمانی مختلف اذان می‌گفتند و موجبات سردرگمی مردم را فراهم می‌آوردند اما پادشاه وقت سوریه آمد و جلوی آنها را گرفت و امروز در مسجد اموی ۴ نفر همزمان و در یک وقت اذان می‌گویند چرا که حکم قهقی این ۴ مذهب برای وحدت یکسان شده است.

وی افزود: در میان اعراب که هستیم از ما می‌پرسند چرا حماس با ایران رابطه دارد و در ایران از ما می‌پرسند چرا حماس با عربستان و قطر رابطه دارد. برادران سرزمین فلسطین سرزمین انبیاء است و رمز پیروزی در قضیه فلسطین وحدت است لذا باید از همه پتانسیل‌های جهان اسلام بهره گرفت.

قدومی با طرح این سؤال که میزان افراط‌گرایی در جهان اسلام چقدر است، تأکید کرد: فکر نمی‌کنم میزان افراط‌گرایان بیشتر از ۱۰ درصد باشد بیاید این انگل‌های وابسته را رها کنید شما و کسانی که تفکر اعتدالی دارند اعم از شیعه و سنی ۹۰ درصد هستند حال این ۹۰ درصد چه طرح عملی برای فلسطین دارند.

وی با اشاره به شهادت نزدیک به ۲ هزار نفر در غزه افزود: آیا منتظریم که این تعداد به یک میلیون نفر برسد تا بیدار شویم در حالی که جوانان غزه در برابر ۴ قدرت بزرگ جهانی ایستاده‌اند و رژیم صهیونیستی حتی توانست مساحتی به اندازه یک سوم شهر تهران را اشغال کند و آنگاه از من می‌پرسند شما ناصبی هستید یا رافضی؟ من در عجبم که آیا الان زمان فتنه و تفرقه و کشمکش سیاسی است؟!

رئیس دفتر جنبش مقاومت اسلامی حماس در تهران در پایان سخنان خود خاطرنشان کرد: از همه روحانیون شیعه و سنی می‌خواهم به مراجع و اصول خود برگردند و وحدت را ایجاد کنیم چرا که فلسطین نمی‌تواند به تنهایی موفق شود البته ما محکم ایستاده‌ایم؛ این کار چندان‌ی ندارد حضرت نوح (ع) تنها از ۴ کلمه استفاده کرد و به خدا گفت که من مظلوم واقع شده‌ام یاریم ده و خلوص و عبادت او موجب اجبات دعایش شد لذا بیایم با خدای خودمان خلوت کنیم که آیا دین خدا را نصرت می‌دهیم و بخشی از سپاه آزادی مسجدالاقصی هستیم؟ وی در پایان از علامه حکیمی به خاطر اختصاص بخشی از فوائد چاپ کتاب «الحیات» در بیروت به رزمندگان فلسطینی تشکر کرد.

در پایان این مراسم نیز سخنرانان لوحی را برای وحدت اسلامی امضا و ضمن گرفتن عکس یادگاری از کتاب «قرآن و قبله» محمدرضا حکیمی رونمایی کردند.

از دموکراسی و حقوق بشر برای خود دست و پا می‌کند.
کودتای ۲۸ مرداد هم برای ملت ایران و سیاستمداران داخلی باید پندآموز باشد و هم برای مردم مسلمان منطقه که امروز دنبال احیای هویت خود و استقرار دموکراسی هستند که فریب مکر جدید آمریکا را نخورند.
رئیس مجلس در پایان خاطر نشان کرد: آمریکا از هر مجالی بهره می‌جوید تا نقش خود را در منطقه با رنگ و لعاب تثبیت نماید کما این که برخی کشورهایی که در آن‌ها در چند سال اخیر انقلاب شد با انواع ماجراجویی‌های آمریکا مواجه گردیدند
آمریکا و انگلیس در ملی شدن صنعت نفت از دروازه ایران بیرون رانده شدند و آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد از پنجره وارد شد لذا بررسی حادثه ۲۸ مرداد باید از ابعاد مختلف مورد توجه ملت ایران به خصوص جوانان قرار گیرد.

حضرت آیت الله موسوی اردبیلی:

دامن زدن به اختلافات مذهبی، توطئه دشمن است

حضرت آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی از مراجع تقلید، دامن زدن به اختلافات مذهبی را از توطئه های دشمن دانست.

این مرجع تقلید در دیدار رییس و معاونان جهاد دانشگاهی قم با وی، افزود: ما تفاوت فقهی با اهل سنت داریم، ولی چیزی نباید عامل درگیری مسلمانان با هم شود و مسائلی که امروز توسط گروه های افراطی مطرح می شود هیچ جایگاهی ندارد و ریشه در توطئه دشمنان اسلام و مسلمانان دارد.

آیت الله موسوی اردبیلی در ادامه سخنان خود با اشاره به اهمیت انطباق و هماهنگی تحقیقات علمی به ویژه در حوزه پزشکی و سلول های بنیادی و نابابوری با فقه و حوزه، تصریح کرد: جهاد باید همیشه این ارتباط را با ورود فقه شناسان به این عرصه ها حفظ کند.

وی افزود: جهادگران علمی کشور باید تلاش خود را برای شناسایی ابواب جدید علم در سطوح مختلف و مشروع طی کنند و نباید جلوی تولید و گسترش علم را گرفت، از نظر ما شبیه سازی در آن حد و آن صراحتی که حرمت آن اعلام می شود، نیست؛ بلکه در این باره مباحث جدی تری را می طلبد چون که در برخی موارد می تواند بخشی از مشکلات انسانی را حل کند.

این مرجع تقلید اظهار داشت: در این مسائل نباید به این صراحت اظهار نظر کرد؛ البته باید این مباحث در حوزه فقه به شکل جدی به طور کامل مطرح و بررسی شود؛ مسائلی را که تحت عنوان مسائل سنی و شیعه امروز در بسیاری از مراکز بحث می کنند، هم بیشتر مسائل و اختلافات تاریخی است که بررسی آنها نیازمند کار علمی است و باید میان علما و مراکز علمی روی آنها بحث شود.

شورای عالی مجمع جهانی تقریب و حجت الاسلام والمسلمین موسی موسوی، قائم مقام مجمع تقریب از رسانه های دیداری، شنیداری و مکتوب تجلیل به عمل آمد که بر این اساس از شبکه های العالم، پرس تی وی، الکوثر، باشگاه خبرنگاران جوان، ایرنا، ایسنا، ایکنا، تسنیم و روزنامه های جمهوری اسلامی، اطلاعات، رسالت، سیاست روز و ایران دلی و همچنین خبرگزاری تقریب (تنا) تقدیر و هدایایی به رسم یادبود اهدا شد.

تدوین موسوعه ۵۰ جلدی احادیث مشترک شیعه و سنی به پایان رسید

با رویکرد تقریب و تعمیق وحدت بین پیروان مذاهب اسلامی می باشد.

وی افزود: طرح و ایده تدوین این موسوعه ۵۰ جلدی احادیث شیعه و سنی حدود ۷۰ سال پیش توسط آیت الله بروجردی و شیخ محمود شلتوت از بزرگان مذاهب شیعه و اهل سنت بیان شده بود که خوشبختانه با تلاش بی وقفه کارشناسان پژوهشگاه، این اثر بزرگ به پایان عملیات مطالعاتی خود رسید.

رییس پژوهشگاه مطالعات تقریبی مجمع جهانی تقریب مذاهب با بیان اینکه تا کنون ۲۰ جلد از این موسوعه به چاپ رسیده است گفت: با برنامه ریزی های انجام گرفته مابقی جلد های این موسوعه نیز به چاپ خواهند رسید و در اختیار پژوهشگران قرار خواهد گرفت.

وی در پایان در خصوص سرفصل های موسوعه احادیث مشترک شیعه و سنی گفت: این موسوعه مشتمل بر مجموعه احادیث شیعه و سنی در موضوعات تفسیر قرآن، فقه، عقاید و کلام، اوصاف رسول اکرم (ص) و اهل بیت (ع)، زندگانی پیامبران الهی، اخلاق، طب و امثال موضوعات اسلامی می باشد.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:

اتفاقات تلخ جهان اسلام زمینه مناسبی برای تقریب ایجاد خواهد کرد

تقریب در جهان اسلام، خاطرنشان کرد: مجمع تقریب فعالیت های خود را در ۳ فاز تعریف کرده و انجام می دهد تتوری سازی تقریب، گفتمان سازی تقریب و اقدامات عملیاتی و میدانی پروژه های تقریب.

وی افزود: ما در بخش نخست که تتوری سازی تقریب است اقدامات بسیار شایسته ای انجام داده ایم. ما همچنین در بخش گفتمان سازی تلاش کرده ایم که گفتمان تقریب را در سراسر جهان گسترش دهیم و امروز در این راستا در بسیاری از کشورهای اسلامی از جمله عربستان و غیر اسلامی بگونه ای شاهد تاسیس موسسات و مراکز گفت وگویی میان مذاهب مختلف هستیم؛ در بخش عملیاتی نیز دانشگاه، کنفرانس وحدت و کمیته های تخصصی از جمله فعالیتها بوده است.

وی در ادامه با اشاره به بحران سوریه، بیان داشت: ما تلاش کرده ایم که در کشور سوریه به گونه ای علمی مسلمان اعم از معارضان با دولت و همپیمانان دولت را در کنار یکدیگر جمع کنیم و امیدواریم که بتوانیم در همین راستا و طی ماه های آینده یک گردهمایی با حضور علمی معارض و مبارز سوریه، در کشور برگزار کنیم.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با بیان این که در تلاش هستیم تا بتوانیم نشست در راستای گفت وگویی میان مذاهب با حضور علمایی از کشورهای مختلف برگزار کنیم، اظهار داشت: مهمترین برنامه ی مجمع تقریب مذاهب نیز تشکیل نخستین اجتماع گفت وگویی میان مذاهب می باشد.

وی در ادامه سخنان خود با اشاره به ساختار تشکیلاتی مجمع تقریب، تصریح نمود: مجمع عمومی مجمع تقریب مذاهب اسلامی در حال حاضر از ۲۵۸ عضو خارجی و ۱۶۰ عضو داخلی تشکیل شده است؛

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی تأکید کرد: اگر جمهوری اسلامی موفق شود وحدت جامعه اسلامی را معماری کند و ما بتوانیم به انسجام و هماهنگی دست یابیم، این حادثه بزرگی در جهان کنونی خواهد بود و جهان را وارد مرحله جدیدی خواهد کرد.

به گزارش خبرگزاری تقریب (تنا)، آیت الله محسن اراکی در نشست صمیمانه سفیران جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور با دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و دبیر مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) به ایراد سخن در رابطه با مسائل مختلف جهان اسلام پرداخت.

آیت الله اراکی با اشاره به تأکیدات مقام معظم رهبری پیرامون دیپلماسی وحدت و نقش این استراتژی در جهان اسلام اظهار داشت: این مأموریت پیوند کار مجمع تقریب با نمایندگان در خارج از کشور را مستحکم تر می کند.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی افزود: ما بدون همکاری بزرگواران در دیپلماسی خارج از کشور نمی توانیم از انجام وظیفه خود به خوبی برآئیم. لذا از همه عزیزان می خواهیم بر همکاری خود با مجمع تقریب بیفزایند.

آیت الله اراکی با اشاره به چالشهای فراروی جهان اسلام تصریح کرد: اگر در جامعه اسلامی اتفاقات تلخی بر خلاف جهت تقریب رخ می دهد، اما موج جدیدی را برای تقریب ایجاد می کند. لذا اگر بتوانیم به خوبی از این تحولات استفاده کنیم می توانیم این تهدیدات را به فرصت تبدیل کنیم.

دبیر کل مجمع تقریب در ادامه با اشاره به فعالیتها و اقدامات این مجمع در بسط و گسترش فرهنگ

تقدیر مجمع تقریب مذاهب اسلامی از رسانه ها



به سر می بریم.

این جنگ نرم در هیچ دوره ای از تاریخ بشریت وجود نداشته است و جهان امروز با رسانه در این میدان به جنگ می پردازد. چنین جنگ نرمی علیه انقلاب اسلامی و اسلام رسول خدا (ص) شکل گرفته است تا ارزش های بلند دین اسلام را زیر سؤال ببرد. دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی یادآور شد: این جنگ نرم ابزاری است که عمدتاً اکثر کشورها از طریق رسانه آن را دنبال می کنند.

آقای اراکی گفت: یکی از صفتهای دیگر رسول خدا (ص) عدل است و ایشان منادی عدل بود. در این راستا ما هم باید تلاش کنیم و با خود بیندیشیم که چه اندازه موفق بوده ایم. این از افتخارات جامعه ما است که در راستای عدل و عدالت گام بر می داریم و امیدواریم در این راستا توفیقات بیشتری حاصل کنیم.

حجت الاسلام والمسلمین مسیح مهاجری مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی هم در این مراسم از آمادگی رسانه ها برای همکاری بیشتر با مجمع تقریب مذاهب اسلامی خبر داد و گفت: رسانه ها وظیفه خود را در قبال اخبار جهان اسلام انجام دهند و انتظار ما از مجمع تقریب مذاهب این است که ارتباط خود را با رسانه ها گسترش دهد.

وی افزود: مجمع تقریب مذاهب اسلامی و رسانه ها باید تلاش کنند و به برکت جنبش اعتدال در کشور، افراط را کنار گذاشته و از گرایش های نادرست که به اختلاف میان شیعه و سنی منجر می شود، پرهیزند. حجت الاسلام

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با اشاره به وصف هایی از رسول اکرم اسلام (ص)، تأکید کرد: این وصفها درباره یک خبرنگار خوب هم کارآمد است. آیت الله اراکی در نخستین نشست هم اندیشی با خبرنگاران حوزه تقریب با بیان این که از مهم ترین وظایف خبرنگاران عرضه خوبی ها به مردم است، اظهار داشت: در قرآن کریم یکسری وصف هایی در رابطه با رسول اکرم (ص) دیده می شود که من فکر می کنم این وصفها درباره یک خبرنگار خوب هم کارآمد است.

وی افزود: رسول اکرم (ص) شاهد بر حقیقتها و پاکی هاست و روز قیامت که روز حقیقت است شاهد آن عرصه وجود نبی اکرم (ص) است. نخستین وظیفه خبرنگار هم همین کشف حقیقت است. مسئولیت بعدی که به رسول خدا (ص) داده اند مژده دهنده خیر و خوبی است. یک خبرنگار هم می تواند همیشه خوبی ها را به دیگران مژده دهد.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی یادآور شد: ما بخش های بسیار درخشانده و خوبی در جامعه داریم که یکی از مهم ترین وظایف ما و خبرنگاران، عرضه این خوبی ها به مردم است. من با بسیاری از مردم سایر کشورها زندگی کرده ام ولی این را که می گویم هرگز مبالغه نیست و بهترین جوانان، دختران، زنان و مردان را در ایران می توان یافت و این یک افتخار برای فرهنگ دینی ما است. وی در بخش دیگری از سخنانش گفت: امروزه یکی از مشکلات ما در جهان، جوسازی دشمن علیه ما است. ما اکنون در یک جنگ سرد و نرم افزاری تمام عیار

ادامه از صفحه اول

۴- چه کسانی از نظر اسلام حق افتاء دارند؟

۵- آیا پیروان مذاهب جعفری، زیدی، اباضی، ظاهری و صوفیان، مسلمان واقعی هستند؟

علاوه بر این ها، در صدر مسائل مطرح شده، سؤال دیگری نیز به این ترتیب آمده است که: «آیا تکفیر پیروان مذاهب عقیدتی، فقهی و سلوکی تنها به خاطر مخالفت در مذهب و نظر جایز است؟» و شیخ در پاسخ خویش که بخش هایی از آن در پی می آید، درصدد پاسخ به مجموعه این پرسش ها بوده است.

متن پاسخ نامبرده به شرح ذیل است:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

الحمد لله و الصلاة و السلام علی سیدنا رسول الله صلی الله علیه و سلم. در پاسخ به سؤال پس از آرزوی توفیق الهی می گویم: هر کس از روی اخلاص قلبی بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» مسلمان و از همه حقوق مسلمانی برخوردار است و همه تکالیف آن هم بر عهده وی خواهد بود. چنین کسی از خلود در آتش جهنم نجات یافته است. اگر فقط از سر زبان شهدایتین بگوید و قلبش به آن ایمان نداشته باشد، منافق است و در ظاهر احکام مسلمانان بر او جاری می شود. به همین خاطر در حدیثی متفق علیه آمده است: امرت ان اقاتل الناس حتی یقولوا لا اله الا الله، فاذا قالوها، فقد عصموا منی دماء هم و اموالهم الا بحقها و حسابهم علی الله: - من مأمور شده ام که با مردم به نبرد برخیزم تا زمانی که لا اله الا الله بگویند. آنگاه که این جمله را گفتند، خون و مالشان محفوظ است، ولیکن حساب آخرتی آن ها با خداست. - به این علت برخی از علما گفته اند: اسلام در یک جمله نهفته است، جمله شهادت. با این جمله انسان وارد اسلام می شود و بر او حکم اسلام جاری خواهد بود. احادیث صحیح بسیاری نیز بر این امر دلالت دارند، از جمله:

۱- من شهد أن لا اله الا الله و ان محمدا رسول حرم الله علیه الناز: هر کس لا اله الا الله و محمد رسول الله بگوید، خداوند آتش جهنم را بر او حرام می کند.
۲- من شهد أن لا اله الا الله وحده لا شریک له و أن محمدا عبده و رسوله و أن عیسی عبده و رسوله و ابن أمته و کلمته التي القاها الی مریم و روح منه و ان الجنة حق و ان النار حق و ان البعث حق، ادخله الله الجنة علی ما کان من عمله، من آی ابواب الجنة الثمانية شاء: - هر کس گواهی دهد که خدایی جز خدای یگانه نیست و او شریک ندارد و محمد بنده و فرستاده اوست و عیسی هم بنده و فرستاده او و فرزند بنده او و کلمه ای است که بر مریم القا کرد و روح اوست و بهشت حق است، دوزخ حق است و رستاخیز حق است، هر عملی که داشته باشد، خدا او را وارد بهشت می کند، از هر یک از درهای هشت گانه که بخواهد. -

۳- من شهد أن لا اله الا الله دخل الجنة: هر کس گواهی دهد خدایی جز خدای یگانه نیست، وارد بهشت می شود.

۴- من قال لا اله الا الله مخلصاً دخل الجنة: هر کس از روی اخلاص بگوید لا اله الا الله وارد بهشت می شود.
۵- من مات و هو یعلم ان لا اله الا الله دخل الجنة: هر کس در حالی بمیرد که بداند خدایی جز خدای یگانه نیست، وارد بهشت می شود.

تمامی این روایات - که همه صحیح هستند - به روشنی دلالت بر آن دارند که راه ورود به اسلام، کلمه شهادت است و اگر انسان آن را بگوید و بمیرد، سبب نجاتش از آتش جهنم و ورودش به بهشت خواهد بود، هر گونه که در زندگی عمل کرده باشد؛ یعنی اگر انسانی عقیده اش صحیح باشد، از خلود در آتش جهنم نجات پیدا می کند. هر چند گناهان بسیار داشته باشد. نامگذاری هایی که برخی از مسلمانان برای برخی دیگر به کار می برند، مهم نیست. سلفی، صوفی، شیعه، سنی، اشعری، معتزلی، ظاهری، مقاصدی و... نامگذاری و مسمی است و مضمون اصل است، نه اسم و عنوان. همچنان که

گذر و نظری بر چرایی و چگونگی چرخش فکری شیخ یوسف قرضاوی در گفتگوی «جوان» با استاد خسروشاهی

البته این تحول فکری غیر عقلانی و چرخش حیرت انگیز، نیازمند بحث و بررسی مفصلی است که وقت و فرصت مناسبی را می طلبد تا انگیزه های واقعی شیخ به درستی تبیین شوند. ولی آن رساله شیخ توسط اینجانب ترجمه شده و در آینده ای نزدیک منتشر خواهد شد تا روشن شود که در گذشته نه چندان دور، نظر شیخ قرضاوی درباره شیعه و تقریب مذاهب و موضوع تکفیر چه بوده است؟ و با چه حسن ظنی اتهامات وارده بر شیعه را رد و حقیقت را بیان می کند! لازم به ذکر است که عقیده بنده به عنوان مترجم آن رساله، در بعضی از نکات با نظرات نویسنده یکسانی نیست، اما برای رعایت امانت، اغلب مطالب آن را عیناً ترجمه کرده ام تا حقیقت بر همگان آشکار شود و در واقع هدف ما بیان حقیقت است. همانطور که ملاحظه کردید، شیخ در این فتاوی مشروح خود، با استناد و استشهاد به احادیث منقول از «صحاح» مورد قبول برادران اهل سنت، روایاتی را نقل می کند که اگر کسی شهادت را ادا کند او مسلم است و خون، مال و عرض او محترم و کسی حق تعرض به او را ندارد و تصریح می کند «نامگذاری هایی که برخی از مسلمانان برای برخی دیگر می کنند، مهم نیست. سلفی، صوفی، شیعه، سنی، اشعری، معتزلی، ظاهری، مقاصدی و... فقط نامگذاری و مسمی است و مضمون اصل است که همان اقرار به وحدانیت خداوند و قبول رسالت حضرت محمد (ص) است.» عجیب است که گوینده این حرف و امضاکننده این فتوی ناگهان شیعه را نصیری!! می نامد و ایرانی ها را یکجا کسانی می خواند که از اسلام چیزی ندارند! راستی این انحراف و کج روی از کجاست؟ و چرا شیخ ما در اواخر عمر خود دچار این «نکبت» گردید؟

همان طور که اشاره کردید، در سالیان اخیر شاهد یک چرخش اساسی و سؤال برانگیز در نظرات و فتاوی «شیخ یوسف عبدالله قرضاوی» هستیم. آیا این عقبگرد فاحش برای حضرتعالی که بیش از نیم قرن با او آشنایی و دوستی دارید عجیب و غیر قابل قبول نیست؟

همان گونه که جنابعالی گفتید، نظرات و فتاوی جناب شیخ یوسف عبدالله قرضاوی در حال حاضر هرگز نمی تواند ادامه مواضع و گفته های پیشین ایشان به شمار رود، بلکه کاملاً متناقض و متضاد با آن هاست. رفتارهای سؤال برانگیز وی در مورد قضایای سه سال اخیر در سوریه و عراق هم مایه تعجب همه ناظران سیاسی و متفکران اسلامی است. همگان شاهد بودند که در واقعه هولناک به شهادت رسیدن دکتر سعید رمضان البوطی، شیخ الشیوخ شامات، در مسجد خود در دمشق به همراه ۵۰ تن از طلاب به دست جوانی تکفیری، از سوی شیخ یوسف عبدالله قرضاوی مفتی غیرمستقیم تکفیربان با این عبارات توصیف شد: «سعید رمضان که مع

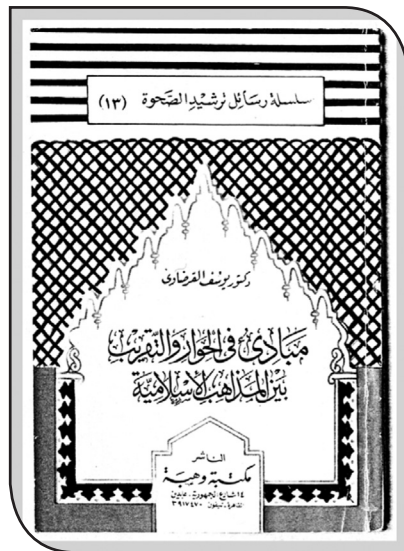
الاسف دوست قدیمی من بود، به دست جوانی در مسجدی در دمشق به قتل رسیده، ولی الحمدلله مسجد آسیب ندیده است!» و به این ترتیب جناب شیخ از اینکه شیخ شهید همراه با ۵۰ تن از طلاب خود به شهادت رسیده است، کمترین احساس تأسفی ندارد، بلکه تأسف او از این بابت است که با وی دوست بوده است و فقط خدا را شکر می کند که به مسجد آسیبی نرسیده است!

البته باید گفت که جناب شیخ چند ماه قبل از این فاجعه، یعنی در اول فروردین ۹۲ اینگونه فتوا داده بود: «باید با هر کسی، اعم از مردم عادی، نظامی، طلاب و علما که با رژیم سوریه همکاری می کند، جنگید: یجب قتالهم!» پس از صدور این فتوا، هزاران تن توسط تکفیری ها در شامات به شهادت رسیدند، از جمله شیخ الشیوخ آن دیار که متأسفانه دوست جناب یوسف عبدالله قرضاوی هم بوده است!

ذکر این مقدمه را به این دلیل لازم دانستم که بگویم بنده نیز از ۵۰ سال قبل و پس از آنکه با اخوان المسلمین

باز شکافته و ضرورت این امر را مبسوطاً به اثبات رسانیده است. در چه شرایطی و چگونه به این رساله دسترسی یافتید و محتوای آن را چگونه ارزیابی می کنید؟

بنده در طول مدت اقامت سه ساله ام در قاهره، به عنوان نماینده مرکز دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران،



رساله‌ای که در گذشته نه چندان دور، توسط قرضاوی درباره ضرورت وحدت اسلامی تألیف شد!

بیشتر اوقات غیر اداری خود را در دیدار با شخصیت ها و علمای اهل سنت و بازدید از کتابخانه ها، مراکز فرهنگی و کتابفروشی های قاهره و اسکندریه سپری می کردم و این توفیق را داشتم که نشریات و کتب فراوانی را بیابم یا از دوستان دریافت کنم و بعضی از آن ها که همسو با اهداف نظام جمهوری اسلامی بود، به عربی یا ترجمه فارسی آن به وسیله «جمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» منتشر شده است.

در همان مقطع، ترجمه رساله ای از تألیفات شیخ یوسف قرضاوی که به عنوان سیزدهمین نشریه: در راه رشد بیداری «یا سلسلة رسائل ترشيده المصحة» در قاهره منتشر شده بود، به دستم رسید. البته همه ۱۲ رساله قبلی این مجموعه نیز به قلم شیخ و توسط انتشارات «مکتبه



شیخ قرضاوی در سفر به قطر و دیدار با امیر این کشور در دوره‌ای که به تکفیر علاقمند شده است!

وهبه» چاپ شده و هر یک به موضوع خاصی اختصاص دارد. «مکتبه وهبه» وابسته به اخوان المسلمین مصر و دارای بیش از ۵۰ سال سابقه است. مدیر این انتشارات در قاهره نسخه ای از رساله «مبادی فی الحوار و التقريب بين المذاهب الاسلاميه» تألیف شیخ قرضاوی را به بنده داد که مطالب مفید و منصفانه ای دارد و یکی از آثار جالب اوست. اگر نام شیخ قرضاوی را از روی این کتاب بردارند، انسان تصور می کند نویسنده آن یک شیعی معتدل است که دغدغه ای جز تقریب مذاهب اسلامی و وحدت مسلمانان ندارد! و هرگز تصور نخواهد کرد که نویسنده آن، عالمی سنی است که بعدها شیعیان را نصیریون و مشرک بالله خواهد نامید!

از دیدگاه جنابعالی علل این چرخش فاحش و عجیب چیست؟ آیا این رویکرد صرفاً ماهیت نظری دارد یا علل حاشیه ای؟

همین احادیث بر ظاهر احادیث دیگری که ایمان را از مرتکبان برخی گناهان مثل زنا، سرقت، شرب خمر و... نفی می کنند، وارد است؛ مثل حدیث: «لا یزنی الزانی حین یزنی و هو مؤمن: زناکار در حال زنا ایمان ندارد.» منظور حدیث، نفی کمال ایمان است، نه خود ایمان. البته این نوع تأویل معنای حدیث ضرورت دارد تا بین احادیث تضاد و تناقض نباشد و اینگونه تأویل ها در زبان عربی جایز است؛ مثلاً می گویم: «علم آن است که سودمند باشد.» منظور علم کامل است. یا «مادر کسی است که فرزند را تربیت کند» یعنی مادر کامل، زیرا به مجرد تولد کودک، «مادری» حاصل شده است.

کسی که وارد دین اسلام می شود، کافی است که به ارکان و واجبات اسلام، التزام قلبی و باور داشته باشد، هر چند در عمل معصیت کار باشد و آن ها را به جای نیاورد؛ به دلیل آنکه پیامبر اکرم (ص) به مجرد گفتن شهدایتین از سوی افراد، اسلام آنان را می پذیرفت و آنان را در زمره مسلمانان به شمار می آورد. هر چند که بعضی از آن ها بعداً و در وقت خود به واجبات (مثل نماز، زکات و روزه رمضان) عمل نمی کردند. هر کسی را که به اسلام آوردنش یقین حاصل شد، نمی توان او را از زمره مسلمانان خارج ساخت مگر اینکه یقین به کفرش پیدا کنیم؛ زیرا یقین با شک از بین نمی رود و آنچه برای خروج از اسلام یقین آور است، این است که معلوم بالضروره ای را انکار کند یا حرامی قطعی را که شکی در آن نیست، حلال بشمارد، یا از او قول یا عملی سر زند که جز کفر، هیچ تأویل دیگری نداشته باشد؛ مثل اینکه بدون اجبار، بر بت سجده کند، یا قرآن کریم را زیر پا بگذارد یا در زباله دان بیندازد یا به خدا و پیامبر (ص) دشنام بدهد، یا عبارت صریحی بنویسد که هیچ شک و تردیدی در کفرآمیز بودنش نباشد.

پس جایز نیست که مسلمانی، مسلمان دیگر را به خاطر ارتکاب معصیت از اسلام خارج سازد، هر چند آن معصیت از گناهان کبیره باشد، زیرا صحیح است که گناهان کبیره مسلمان بودن فرد را خدشه دار می سازد، ولی آن را به کلی از بین نمی برد، به دلیل اینکه قرآن مجید، قاتل را با اولیای دم مقتول، برابر می خواند و می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقُصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأُنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبَاعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَّ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ (۲): - ای کسانی که ایمان آورده اید، درباره گشتگان بر شما قصاص مقرر شده است... و هر کس از جانب برادر [دینی] اش (یعنی ولی مقتول) چیزی [از حق قصاص] به او گذشت شود [باید از گذشت ولی مقتول] به طور پسندیده پیروی کند و با [رعایت] احسان [خوניהا را] به او بپردازد. -

همچنین قرآن ایمان مسلمانانی را که با یکدیگر می جنگند، پذیرفته و فرموده است: «وَ إِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَبْغِيَ تَقْوَیَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ (۳): اگر دو دسته از مؤمنان با هم بجنگند، میانشان را آشتی دهید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد، با گروهی که تعدی می کند، بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد. -

در آیه بعد هم می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ (۴): در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان صلح را برقرار کنید.»

آنچه نقل شد بخش اصلی از فتاوی شیخ یوسف عبدالله قرضاوی است که در کتاب مزبور نقل شده که به صراحت و روشنی «مسلمان» بودن اصحاب همه مذاهب اسلامی را می پذیرد و «تکفیر» آنان را بدون حجت قاطع، جایز نمی شمارد و این به طور کلی در تضاد با قول و فعل امروزین اوست.

ظاهراً جنابعالی رساله مفصل و مبسوطی از شیخ قرضاوی را در اختیار داشته و ترجمه کرده اید که وی در آن به شکلی موسع مبانی قرآنی و روایی تقریب بین مذاهب اسلامی را

همانی است که نزد اهل سنت هم وجود دارد و قرآن چاپ ایران دقیقاً همان قرآنی است که در سعودی، مصر، پاکستان، مراکش و دیگر کشورهای جهان اسلام چاپ می شود. این قرآنی - که برخی مدعی تحریف آن هستند - همانی است که مفسران شیعه از قدیم تا به امروز آن را تفسیر کرده اند، قرآن دیگری وجود ندارد که آن را تفسیر کنند و همین قرآن است که از بلاغت و اعجاز آن تا به امروز سخن می گویند. این همان قرآنی است که علمای شیعه برای عقاید خود در کتب فقهی خویش بدان استدلال می کنند و برای بیان احکام بدان استناد می جویند. این همان قرآنی است که شیعیان آن را در مدارس دینی، دولتی و در برنامه های تلویزیونی و... به فرزندان خود آموزش می دهند. این مواردی است که باعث شده است رأی اتفاقی و اختلافی را از یکدیگر تمیز دهیم و تأکید کنیم به آنچه اتفاقی و مورد توافق آنهاست پایبند باشیم.

یا مثلاً در مورد اهمیتی که شیعیان در نمازهای خود بر سجده کردن بر سنگ یا خاک یا تربت می دهند، تصور رایج در میان ما آن است که انگیزه آن ها تقدیس این تربت از سوی شیعیان است، زیرا از خاک سرزمین کربلاست که حسین (ع) در آن کشته یا به خاک سپرده شده است.

من خود نخست همین فکر را می کردم تا سرانجام در دهه ۶۰ میلادی امام موسی صدر رهبر شیعی معروف در لبنان و رئیس مجلس اعلای شیعیان آنجا به دیدارم آمد و ما در برخی مسائل با یکدیگر بحث و تبادل نظر کردیم. از جمله درباره تربت یا سنگ و دانستم که شیعه اثنی عشری (جعفری) مقیدند سجده بر جنس زمین و خاک باشد و سجده بر فرش، موکت یا پارچه و این قبیل را جایز نمی دانند و از آنجا که بیشتر مساجد با زیراندازهایی فرش شده اند که در مذهب فقهی ایشان سجده بر آن جایز نیست، کوشیده اند برای هر نمازگزار سنگریزه یا مهری از جنس خاک فراهم آورند که بر آن سجده کند. ضرورتی هم ندارد این مهر از تربت کربلا یا جای دیگری باشد. این مطالب را با خواندن و مطالعه کتب شیعه جعفری به دست آوردم و شماری از این منابع از جمله «المختصر النافع» تا «جواهر الکلام» را هم دارم. هنگامی که در سال ۱۹۹۸م. سفری به ایران کردم، این امر بر من روشن تر شد، زیرا شمار زیادی از علما در هتلی که اقامت داشتم به دیدارم آمدند و نزد من نماز گزارند و این مهر یا سنگ هم همراهشان نبود، لذا متوجه شدم یک برگ دستمال کاغذی برداشتن و دستمال به جای مهر یا سنگ بر آن سجده کردند و دستمال کاغذی را از جنس زمین تلقی کردند، زیرا همچون فرش یا موکت منسوج نبوده و بافته نشده است. (۶)

مهم آن است که اندیشه «خاک یا تربت مقدسی» که در ذهنم جای گرفته بود با پرسش از علمای مورد اعتماد و پاسخ گرفتن از آنان و اطلاع از منابع علمی موثق به جای استناد به شایعات عوام الناس و به دور از هر گونه دلیل و استدلالی از میان رفت. آیت الله شیخ جعفر سبحانی در کتاب خود «الاتصاف فی مسائل دام فیها الخلاف» گفته است: «از نظر شیعه بهتر آن است تربت طاهر و پاکی را در نظر بگیرند و نسبت به زمین پاکی که از آن گرفته شده است، اطمینان حاصل کنند و در این میان از هر جای دنیا که باشد فرقی نمی کند.» (۷)

زمینه های گرایش شیخ قرضاوی به فتاوی افراطی و تکفیری چیست؟ میزان نفوذ وی در میان نیروهای فعال تکفیری در سوریه، عراق و مصر چقدر است؟

انحراف شیخ از خط اعتدال و گرایش به صادر کردن فتاوی افراطی و حتی احکام اعدام! از راه دور برای بعضی ها مانند: بن علی، بشار اسد، قذافی، ژنرال سبسی و... شاید ناشی از عوارض کبر سن و عدم تعادل است که قرآن می فرماید: «و من نَعَمَہ نَنکَسَہ فِی الخَلْقِ افلا یَعْقِلُونَ؟» و گرنه چگونه معقول است عالم محترمی ناگهان همه باورها و عقاید قبلی خود را زیر پا بگذارد و حتی برخلاف نوشته ها و فتاوی خود، موضع متضاد بگیرد؟

ادامه در صفحه بعد

پنجم تأکید و تصریح می کند که باید از القابی که موجب رنجش می شوند پرهیز شود، مثلاً نامگذاری «شیعه» به «رافضی» یا «اهل سنت» به «تاصبی» را از خطاهای بزرگی می شمارد که موجب دوری برادران مسلمان از یکدیگر می شود و روی همین اصل سب و لعن یکدیگر را امری برخلاف اصول اسلامی و «ذاتاً نامشروع» می نامد. در اصل ششم قرضای مسئله تکفیر مسلمانان را «یکی از خطرناک ترین ابزارهای ویران سازی اساس اتحاد یا نزدیکی مسلمانان با یکدیگر» معرفی و سپس احادیثی از کتب روایی خود اهل سنت نقل می کند که پیامبر (ص) فرمود: «کاری به اهل لا اله الا الله نداشته باشید و آنان را با یک گناه تکفیر نکنید و هر کس اهل لا اله الا الله را تکفیر کند، خود به کفر نزدیک تر است.» (۵) در اصل هفتم دوری از «غلو» را از اصول مهمی می شمارد که موجب وحدت و تقرب می شود و سپس اتهاماتی را که بعضی از نویسندگان سنی در مورد علت کفر! شیعه نقل کرده اند، مانند اعتقاد به تحریف قرآن! و سب صحابه، ادعای عصمت ائمه (ع)، عدم قبول سنت و... نقل می کند و در پایان می نویسد: «می توانیم در پاسخ همه این اتهام ها بگوییم هیچ کدام از این ها به کفری که مسلمان را از دین خارج سازد، منجر نمی شود» و سپس به توضیح مطلب می پردازد.

اصل هشتم در کتاب شیخ ضرورت شفاف سازی خردمندانه در مورد مسائل اختلافی و عقیدتی است. سپس وی هوشیاری در قبال توطئه های دشمنان را اصل نهم می نامد و به شرح آن می پردازد و به شواهد تاریخی در مورد توطئه ها اشاره می کند و با صراحت اعلام می دارد که در صورت اختلاف بین مسلمانان، امریکا و ابر قدرت های دیگر بر همه ما مسلط می شوند و «فرعونیسیم» جدید بر همه مسلمانان حکومت خواهد کرد و در اصل دهم دوری از اختلاف و ضرورت همبستگی و وحدت را یادآور می شود و می گوید: «وقتی امت اسلامی متحد شوند، دشمن به خشم می آید و از طرق مختلف از جمله ایجاد جنگ بین شیعه و سنی، برادری و اخوت را به دشمنی بین مسلمانان تبدیل می کند.

این خلاصه، در واقع فهرستی از اندیشه های مثبت و مفید شیخ القرضاوی درباره شیعه و سنی و رد تکفیر و بیان امکان و چگونگی تقرب بین مذاهب اسلامی است و واقعاً موجب تأسف و تعجب است که انسان، در عرض چند سال از این افکار صحیح و امیدبخش دور شود و ناگهان مطالب باطلی را مطرح سازد که خود مدعی بود باید از آنها دور شد!

شیخ قرضاوی در تبیین و تشریح اندیشه خود درباره چگونگی ایجاد تفاهم و درک صحیح عقاید طرفین مطلب و نمونه خاصی را مطرح نمی کند؟

اتفاقاً شیخ در همین اصل اول از اصول ده گانه خود، به دو موضوع مهم که موجب اختلاف بین مسلمین شیعه و سنی شده است اشاره می کند و خوشبختانه خود پس از تحری حقیقت و دیدار با علمای شیعه و سفر به ایران و «قم» به نفع دیدگاه شیعه نظر می دهد و آنچه را که «مسموع» و دور از واقعیت بوده است، رد و محکوم می کند. البته می دانیم یکی از اشکالات عمده وهابی ها و گروه های افراطی اهل سنت، این است که شیعه معتقد است قرآن تحریف! شده است یا از «تربت خاص» برای سجده استفاده می کنند و این را نوعی شرک! می پندارد و اتفاقاً شیخ قرضاوی در این باره می نویسد: «...به عنوان مثال می توان به مسئله تحریف قرآن اشاره کرد. برخی علمای شیعه قائل به تحریف قرآن هستند و مدعی اند قرآن ناقص است و کامل نیست و در این باره کتاب هایی نگاشته و به روایاتی از کافی و دیگر کتب فقهی خود استدلال کرده اند، ولی این نظر متفق علیه نیست. علمایی از آن ها نیز هستند که این ادعا را رد و شبهاتی این چنینی را تکذیب کرده اند و این همان چیزی است که باید بر آن تکیه کنیم و به نظر دیگر واقعی نهیم. آنچه ما را بر آن می دارد که به نظر مخالفان تحریف قرآن استناد کنیم موارد ذیل است:

آن ها همگی متفق القولند که آنچه در مصحف آمده، تماماً کلام خدایی است که به هیچ وجه باطل در آن راه ندارد. قرآنی که امروز در همه دنیا در اختیار شیعیان است،

منتشر خواهیم کرد تا آشکار شود که او چگونه در اواخر عمر خود با تغییری غیر شرعی و غیر منطقی در تفکر و اندیشه، ناگهان به یک مفتی افراطی تکفیری تبدیل شده و بر همه افکار و برنامه های مصلحانه، وحدت گرایانه و تقرب خواهانه گذشته خود مهر ابطال زده است.

اشاره فرمودید به ترجمه ای که از کتاب «مبانی فی الحوار و التقرب بین المذاهب الاسلامیه» انجام داده اید. اگر امکان دارد بررسی کوتاهی هم از نظریه شیخ در این کتاب ارائه بفرمایید؟

شیخ قرضاوی این کتاب را پس از دعوت - به تعبیر خود او در مقدمه کتاب - «برادر عزیز»ش شاه بحرین، شیخ عبدالله بن خالد آل خلیفه برای شرکت در کنفرانس «تقرب مذاهب اسلامی» در تاریخ جمادی الاخر ۱۴۲۵ در قاهره نوشته که در مصر هم به چاپ رسیده است. وی در مقدمه این کتاب می نویسد: هدف از «تقرب» «شیعه شدن سنی» یا «سنی شدن شیعه» نیست، بلکه هدف دور ساختن جو افکار عمومی از عوامل تنش آفرین و بدگمانی های سیاه طرفین است و روی همین اصل از نظر شیخ، نکته مهم و اساسی در این موضوع، تأکید بر مفهوم تقرب و گفتگویی است که باید برای نزدیک شدن شیعه و سنی و اهل مذاهب اسلامی دیگر برقرار شود و آنگاه اصول ده گانه ای برای گفتگو و ایجاد تقرب بین مذاهب مطرح می سازد که برای درک صحیح افکار، عقاید و استدالات طرفین است. یعنی هدف نه برای اثبات حقانیت خود، بلکه برای درک و فهم منطقی اصول عقیدتی اصحاب مذاهب اسلامی است.

اشاره فرمودید که شیخ قرضاوی در مقاله ای که تحت عنوان «مبانی فی الحوار و التقرب بین المذاهب الاسلامیه» منتشر می سازد، اصول ده گانه ای را برای تقرب میان مذاهب طرح می کند. درباره این اصول و کیفیت طرح موضوع توسط وی توضیح بفرمایید.



شیخ قرضاوی در سفر به ایران و دیدار با آیت الله تسخیری در دورانی که مخالف تکفیر بود!

بله، شیخ پس از شرح نظریه خود درباره اصل نخستین که به آن اشاره شد، به تشریح مبانی عقیدتی خود درباره اصول باقیمانده می پردازد که عبارتند از: ضرورت ایجاد حسن ظن بین طرفین و رفع بدگمانی های باقیمانده از گذشته های دور... و سپس به اهمیت تمرکز بر موارد و مواضع متفق علیه و موارد اشتراک موجود بین شیعه و سنی تأکید دارد و آن را برای تقرب یک ضرورت اساسی می داند و مثالی می آورد که از نقاط مشترک و اتفاقی بین شیعه و سنی التزام به ارکان عملی اسلام از جمله ادای شهادتین، نماز، روزه، حج و زکات است که هر دو گروه به این ارکان و فریضه ها ایمان دارند و عمل می کنند، هر چند ممکن است در برخی احکام اختلاف هایی میان آن ها وجود داشته باشد که این اختلافات در بین مذاهب اهل سنت هم وجود دارد. مثلاً ما تفاوت هایی میان مذهب حنبلی و مذهب حنفی یا مالکی می بینیم که قابل توجه است؟ ولی اینها دیدگاه های فقهی است و از نظر شیخ «مهم آن است که هر دو فقه - سنی و شیعه - در پایان مسیر به هم نزدیک می شوند، زیرا منبع اصلی آن ها، یعنی قرآن و سنت و اهداف اساسی و کلی هر دو گروه یکی و آن اقامه عدل و گسترش رحمت الهی در میان همه بندگان خداست.»

سپس شیخ به اصل چهارم، یعنی ضرورت گفتگو در موارد اختلافی می پردازد و آنگاه به مسئله پرهیز از تحریک احساسات و عواطف همدیگر به عنوان اصل

و رهبری آن در مصر و سایر کشورهای عربی آشنا شدم، «متأسفانه» با شیخ یوسف عبدالله القرضاوی هم «آشنا» شدم و باز «متأسفانه» این دوستی! تا یکی دو سال قبل هم ادامه یافت و بنده در ایران دوستان خود را همواره تشویق می کردم تا کتاب های او را ترجمه و منتشر کنند و شاید در این رابطه بالغ بر ۳۰ جلد از کتاب های شیخ در کشور ما ترجمه و منتشر گردید و گاهی هم که مسئولان وزارت ارشاد اجازه ترخیص بعضی از کتب او را نمی دادند، با پیگیری های لازم بالاخره اجازه صادر می شد. با کمال تأسف دقیقاً در دورانی که ما این نوع اقدامات دوستانه و برادرانه را انجام می دادیم، ناگهان جناب شیخ با یک قیام رسانه ای گسترده «خطر تبشیر شیعی» را مطرح ساخت و در سفرهای متعدد خود به بلاد مختلف عربی و اسلامی، - حتی مالزی و اندونزی - مسلمانان را از این خطر هولناک بر حذر داشت. در پی این اقدام شیخ، بنده فهرست کامل کتب ترجمه و منتشر شده او را در عاصمه تشیع «ایران» همراه با نامه ای برای وی ارسال و به ایشان یادآوری کردم که در ایران «تبشیر سنی»! ایشان طبق قانون، مجاز اعلام شده است، ولی ظاهراً در هیچ یک از کشورهای عربی از جمله: مصر، سودان، تونس، مغرب، اردن، یمن و حتی شیخ نشین هایی چون: کویت، قطر، امارات، بحرین و... کتب شیعه اجازه انتشار ندارند و در واقع کتاب های شیعی ممنوع هستند! و حتی ناشران شیعی بعضی از کشورها مانند عراق و لبنان نیز حق شرکت در نمایشگاه های بین المللی کتاب این کشورها را ندارند، در حالی که در قاهره در دوران حسنی مبارک، حتی اسرائیل هم حق شرکت در نمایشگاه آنجا را داشت... بی تردید این کوتاه فکری ها و تعصب های جاهلانه قرون وسطایی که توسط عالم نماهای متحجر و دست نشاندۀ شیوخ و سلاطین «پترودولار» تغذیه می شوند، نشانه بارز جاهلیت در قرن حاضر است.

شیخ به نامه جنابعالی چه پاسخی داد؟

البته شیخ جواب ما را نداد و پیغام فرستاد که ما هدفی جز جلوگیری از اختلافات نداریم! ادعایی که کذب بودن آن با اقدامات بعدی شیخ و مریدان وی آشکار شد و ما نیز دریافتیم توطئه بسیار عمیق تر از آن چیزی است که ما و دوستان در ایران و مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی گمان کرده بودیم. جناب شیخ به هر مناسبتی و در هر کنفرانسی، علیه شیعیان و تشیع موضع گیری های شدیدی اتخاذ کرد و کار به جایی رسید که ایرانیان را دور از اسلام نامید.

با عنایت به اینکه جنابعالی همواره رصد کننده مسائل جهان اسلام و نیز مواضع و کارکرد دوستان قدیم خود هستید، لطفاً بفرمایید نخستین علایم این چرخش عجیب و سؤال برانگیز از چه مقطعی و در کجا آشکار شد؟

دو سال پیش کنفرانسی با عنوان «مؤتمر علماء الامة من القضيہ السوریہ» در قاهره برگزار شد که در آن علمای معروف اهل سنت و علمای الازهر شرکت کردند و در بیانیه پایانی خود به شکلی غیر منطقی به تشیع، شیعیان و حزب الله تاختند و از همه مسلمانان خواستند بر اساس «فتاوی شرعی» علیه رژیم سوریه وارد جنگ شوند! در این مجمع، شیخ یوسف عبدالله القرضاوی سخنرانی تندى علیه مردم لبنان و ایران ایراد کرد و حزب الله را - که تا چند روز قبل از آن دفاع می کرد و به اصطلاح سنگش را به سینۀ می زد - حزب الشیطان نامید! و از اینکه مدتی طولانی از آن دفاع کرده بود، به شدت اظهار ندامت کرد! شیخ در این سخنرانی، ایران و شیعیان آن را که تا دیروز از آن ها حمایت می کرد، مورد لطف خود قرار داد و آنان را «نصیری» و «مشرک بالله» و «مبتدع» نامید! و از مسلمانان سراسر بلاد اسلامی حتی از مالزی، اندونزی، استرالیا، سنگال و... خواست که برای جهاد! با رژیم نصیری سوریه به آنجا نیرو بفرستند و اعلام کرد کشتن زن، مرد، پیر و جوان سوری نصیری مجاز است و مردم مسلمان شامات مهودالدم هستند و به زودی کاروانی هم متشکل از اعضای «الاتحاد العالمی لعلماء المسلمین» برای جهاد در سوریه اعزام خواهند شد.

بنده با توجه به آشنایی شاید ۵۰ ساله با شیخ، یادداشت ها و مطالب فراوانی از وی دارم که در موقعیت مناسب

سیاسی – اجتماعی – فرهنگی
۶ بهشت
گفتگو – خبری
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com
گذر و نظری...

ادامه از صفحه قبل

البته بعضی ها مسئله «پترودلار» شیوخ ارتجاع عرب نفت خوار، را در تغییر موضع شیخ بی تأثیر نمی دانند، ولی با توجه به اینکه شیخ پس از مؤانست با شیوخ نفتی و ارتجاع عرب خود یکی از ثروتمندان معروف به حساب می آید و حتی خود یکی از سهامداران اصلی «بنک التقوی» در سوئیس بود و معاون وی جناب شیخ قره داغی هم مسئول امور شرعی! آن به حساب می آمد، فکر نمی کنم در اواخر عمر خود نیازی به اخذ دلار داشته باشد، گرچه هیچ احتمالی از جمله مسئله تأثیر فکری و تلقین فکری عناصر نفوذی بنی صهیون و بنی سعود در تشکیلات وی بعید نیست و به اصطلاح اگر «بصیرت» نباشد، اقدام به هر کاری ممکن است.

در مورد نفوذ معنوی وی در میان سلفی ها و تکفیری ها باید گفت که او نقش عمده و تأثیر خاصی در میان افراطی های موجود در صحنه ندارد و حتی بعضی از آن ها از جمله باند تهیه‌کاری که «داعش» نام دارد، شیخ را مرتد و واجب القتل اعلام کرده اند، چون اخیرا اعلام خلافت موهوم اسلامی آن ها را خلاف شرع نامید و اعلام کرد این امر «طرح اسلامی منطقه» را به‌خطر می‌اندازد و البته این طرح اسلامی مشروع! آقای قرضاوی هم معلوم است که چیست، تشکیل حکومت سنی در منطقه شامات... اما مدعیان دولت اسلامی در عراق و شام – دواعش – پس از

پاکسازی نژادی؛

هویت بحرینی‌ها در معرض تهدید

العالِم: معاون دبیر کل جمعیت وفاق بحرین، اقدام رژیم آل خلیفه در زمینه چوب حراج زند به تابعیت بحرینی را به مثابه «پاکسازی نژادی» دانست.
«خلیل مرزوق» در حاشیه آغاز فعالیت های اعتراضی ضد اعطای تابعیت بحرینی به بیگانگان، گفت: بر اساس آمار رسمی که خود رژیم ارایه کرده است، تاکنون به ۹۵ هزار و ۳۷۲ نفر از بیگانه تابعیت بحرینی داده شده است و این بدان معناست که ۱۷ درصد بیگانه، در ساختار بافت جمعیتی کشور جاسازی شده اند.

وی در این کنفرانس مطبوعاتی افزود: چنین آماری، وحشتناک و باور نکردنی است. در واقع این ارقام و آمار را باید تهدیدی واقعی به شماریم و شناسایی، بازخواست و مجازات عاملان آن را خواستار شویم، زیرا طی ۱۰ سال آینده، بحرینی ها، تبدیل به اقلیتی در کشور خواهند شد و این مساله، هویت و ملیت بحرینی را تهدید می کند.

مرزوق تأکید کرد: با چنین روندی، در سال ۲۰۴۰، دیگر نمی توان در قانون اساسی ادعا کرد که بحرین، کشوری عربی و مسلمان است، زیرا هویت آن تغییر خواهد یافت.

معاون دبیر کل جمعیت وفاق در ادامه تصریح کرد: در عرف المللی، وقتی اعطای تابعیت به بیگانگان با چنین روندی اتفاق می افتد، به مثابه پاکسازی نژادی ساکنان اصلی کشور تلقی می شود. مساله این است که ساکنان اصلی بحرین، فقط شیعیان نیستند و این مساله هم شیعیان و هم سنی ها را تهدید می کند.

مرزوق افزود: با توجه به روند موجود اگر کسی گمان کند که این حراج تابعیت به سود طایفه اوست، اشتباه می کند. این کار، بحرین را از کشوری شهروند مدار به کشوری طایفه مدار تبدیل می کند.

وی گفت: کسانی که گمان می کنند حراج تابعیت بحرینی، سودی سیاسی برای آنان دارد نیز دچار توهم و اشتباهند. زیرا بر اساس محاسبات سیاسی، این بیگانگان، با بحرینی ها رقابت خواهند کرد و این رقابت، در آینده برای بحرینی ها پیامدهای ناگواری خواهد داشت.

مرزوق تأکید کرد: از منظر کوتاه بینی و ساده انگارانه اعطای تابعیت بحرینی به بیگانگان شاید دستاورد جلوه کند ولی از نگاه ژرف و دوراندیشانه ثابت می کند که این کار، برای آینده کشور، فاجعه بار خواهد بود.

وی با اشاره به این که حتی طرفداران رژیم آل خلیفه هم به انتقاد از حراج تابعیت بحرینی پرداخته اند، این مساله را بر خلاف ادعاهای رژیم، مغایر با برقراری ثبات در کشور دانست و گفت: اگر بحرینی ها در کشور ثبات می یافتند، ناچار به مهاجرت به قطر و دیگر کشورها نبودند.

گفتنی است که اقدام اخیر قطر در دادن شناسنامه قطری به ده ها تن از افراد قبایل سنی بحرینی، به بروز تنش ها و اختلافاتی میان دو کشور منجر شده است. مرزوق از دولت بحرین خواست، به این مساله نگاهی عمیق تر و جدی تر از اختلاف دو کشور داشته باشد.

اشغال موصل و تخریب مراکز مذهبی شیعیان و ترکمان ها، مراقد مورد احترام اهل سنت را هم ویران کردند و سپس ۱۲ نفر از علمای اهل سنت را که حاضر به بیعت با خلیفه خود خوانده نشدند، سر بریده و اعدام کرد.

به هر حال بی تردید شیخ نفوذ معنوی در میان تکفیری ها ندارد، ولی فتاوی او در میان نسل جوان و ناآگاه جهان عرب، بسترساز گرایش به سلفی گری و تکفیر گری شده است.

وظیفه مراکز علمی و دینی شیعه و سنی و علمای آن ها در برابر شیخ قرضاوی و نظایر او چیست و برای پیشگیری از ظهور یا چرخش چهره هایی همچون وی چه باید کرد؟

وظیفه مراکز و مراجع علمی – دینی شیعه و سنی در قبال پدیده قرضاوی و علمای سوء مانند او، بیدارسازی و آگاهی بخشی در میان عموم مردم، به ویژه نسل جوان است. بی تردید اغلب جوانانی که به گروه های تکفیری پیوسته اند، می پندارند در راه اسلام گویا جهاد می کنند و در واقع منهای تروریست های اجاره ای که با همکاری امپریالیسم غربی و صهیونیسم بین المللی و ارتجاع عرب به منطقه گسیل شده اند، آن ها ستون فقرات دواعش و سازمان های تکفیری دیگر هستند و اگر علمای اهل سنت و تشیع، با بیان حقایق، آن ها را بیدار کنند، این فتنه خاموش خواهد شد، به خصوص که عملکرد گروه های تکفیری به ویژه دواعش، در سوریه و عراق زمینه مثبتی را برای آن ها فراهم نکرده است. قتل عام مردم و اعدام های دسته جمعی شیعه، سنی، مسیحی، ترکمن، ارمنی، آشوری و به ویژه در سوریه و عراق و سپس غارت اموال مردم بی گناه و تجاوز گروهی به زنان مسلمان آن هم به عنوان «جهاد النکاح»! و تأسیس «بیت النکاح»! در بعضی از کلیساها و مساجد، ماهیت ضداسلامی آنان را افشا می کند و علمای بزرگوار باید با

تماس مستقیم با دیگران حتی با عناصر منحرف در بین علما و تشریح کامل چگونگی اقدامات غیرمشروع گروه های تکفیری و آثار منفی آن بر ضداسلام و مسلمین در سطح جهانی، آنان را از ادامه راه و تأیید تروریست ها به عنوان مجاهدین! فی سیل الله بازدارند، البته این کار مشکل و پیچیده است، ولی غیرممکن و محال نیست.
در پایان این گفتگو نمونه هایی از اظهارات و بیانات شیخ قرضاوی را درباره شیعه و ایران نقل کنید.

فکر می کنم که نقل اباطیل زشت و غیرمنطقی شیخ درباره تشیع، شیعیان و ایران ضرورتی نداشته باشد. در یک کلام می توان گفت او چیزی را در این رابطه ابقا نکرده است...ایران را در کنار روسیه و چین دشمن اسلام خواند. شیعیان را «فَساق» و نصیری نامید و نصیری ها را هم مهذور الدم شناخت و در مصاحبه ای صراحتا گفت: «ایرانی ها از اسلام به دور هستند: الایرانیون لیسوا من الاسلام فی شیء!» و در مقابل تروریست های جنایتکار را مجاهد خواند. حزب الله لبنان را که تا دیروز از آن ها تجلیل می کرد، حزب الشیطان نامید و قیام مردم بحرین را «فرقه گرایانه» و قیام گروه های مسلح در عراق را انقلاب مردمی خواند! تنها چیزی که شیخ هنوز درباره آن اظهار نظر نکرده مسئله جهادلنکاح است که در بین تکفیری ها با یک تکبیر! مجاز شمرده می شود و طبق اعترافات و اظهارات پخش شده زنانی که مورد تجاوز قرار گرفته اند، چطور گروهی به عنوان اسلام! به این عمل شنیع اقدام می کنند و عجیب است در این باره به زنان مسلمان سنی موصل هم رحم نکردند و آنان را مانند زنان علوی ها – نصیری ها – اکراد، ترکمان ها، آشوری ها، ارمنی ها، عرب ها و...مورد تعرض قرار دادند. عجیب تر آنکه شیخ قرضاوی که «ازدواج موقت» در فقه شیعه را مجاز نمی دانست، در مورد جهادلنکاح

نقش ژنرال السیسی در کشتار سیستماتیک اخوان در خیابان ها

بسیارند.

بدترین این کشتارها به ۲۳ مرداد ۱۳۹۲ و زمانی باز می‌گردد که نیروهای امنیتی مصر از زور برای متفرق کردن متحصصان و حامیان مرسی در نزدیکی مسجد رابعه العلوویه در قاهره استفاده کردند که این خشونت بیش از ۸۰۰ کشته و قریب به ۱۰۰۰ زخمی بر جای گذاشت.

به گفته دیده بان حقوق بشر این کشتار یکی از گسترده‌ترین کشتارهای معترضان در طول یک روز در تاریخ معاصر محسوب می‌شود. هیچ مامور پلیس و مقام دولتی در این رابطه تحت پیگرد قرار نگرفت. درگیری که باعث ایجاد تنش داخلی و سرکوب و دستگیری ده‌ها هزار تن از جمله اسلام‌گراها، خبرنگاران و فعالان چپ‌گرای سیاسی مصر شد. در این گزارش همچنین تحقیقات از عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور کنونی مصر که در سال گذشته فرماندهی ارتش را برعهده داشت و سایر مقام‌های مصری چون وزیر کشور درخواست شده است.

کنت روث مدیر اجرایی دیده‌بان حقوق بشر و لی ویتون، مدیر بخش خاورمیانه این گروه از مصر اخراج شدند. این نخستین باری است که مصر از ورود کارمندان دیده‌بان حقوق بشر جلوگیری به عمل می‌آورد.

هیلاری کلیتون: داعش را خودمان ساختیم

زیردریایی‌های بسیار جدید با نام «گرگ‌های دریا» زیر نظر گرفته شدیم، این زیردریایی‌ها به جدیدترین سلاح‌ها و تجهیزات رهگیری مجهز بودند. زمانی که تلاش کردیم به دریای سرخ نزدیک شویم با چنگنده‌های قدیمی میگ ۲۱ روسیه غافلگیر شدیم اما مساله عجیب‌تر این بود که رادارهای نتوانستند بفهمند این چنگنده‌ها از کجا آمدند و به کجا رفتند.

کلیتون در ادامه نوشته است: ما ترجیح دادیم برگردیم. حمایت و پشتیبانی مردم مصر از ارتش بیشتر شده بود. چین و روسیه نیز مخالفت خود را با این اوضاع اعلام کردند و ناوها بازگردانده شدند؛ هنوز هم نمی‌دانیم که چگونه با مصر و ارتشش تعامل و برخورد داشته باشیم. اگر علیه مصر متوسل به قدرت می‌شدیم شکست می‌خوردیم و اگر مصر را رها می‌کردیم چیز مهمی را از دست می‌دادیم. مصر قلب جهان عرب و جهان اسلام است و ما تلاش داشتیم تا از طریق اخوان المسلمین و از طریق داعش این کشور را تحت کنترل درآورده و آن را تقسیم کنیم و پس از آن به کشورهای حوزه خلیج فارس برویم. کویت اولین کشوری بود که از طریق دوستان ما در آنجا آماده بود و سپس عربستان و بعد از آن امارات و بحرین و عمان مد نظر ما بودند و پس از آن منطقه عربی کاملاً تقسیم می‌شد و به صورت کامل آن را تحت کنترل در می‌آوردیم. ما منابع نفت و گذرگاه‌های آبی را تحت تصرف خود درمی‌آوردیم. اگر برخی از اختلافات میان آن‌ها وجود داشت اوضاع تغییر می‌کرد.

متن یونانی ترجمه کرده و در سال ۳۷۱ هجری قمری نوشته شده است؛ و نیز کتاب دیگر «خطابه ابن مسکویه» با عنوان (فوزال فوزالاصفر) است، متعلق به سال ۴۱۹ هجری قمری؛ و نیز دهها کتاب از قرنهای ششم و هفتم و هشتم هجری، نوشته شده با مرکب سیاه و با سرفصلهایی با مرکب قرمز، مانند کتاب «اشجار و انمار بخاری» که عبید زاکانی - شاعر آن را به خط خود و برای کتابخانه خویش نسخه برداری کرده بود.» چه عشقی!

ملک کمی ناخوش؛ اما سرزنده

گزارشگر روزنامه اطلاعات پس از بیرون آمدن از اقبانوس کتابهای کهن، به سراغ خود حسین آقا ملک - که آن زمان هنوز زنده بود- می رود؛ و ملک با وجود بیماری و کهولت سن، یک گفت و شنود کوتاه را می پذیرد؛ و در لابه لای سخنانش از پیدایش عشقی ویژه در خود می گوید: «در سال ۱۳۱۷ هجری قمری که به اتفاق مرحوم پدرم - حاج محمد کاظم ملک التجار برای دیدن املاک خود به مشهد رفته بودیم، هنگام بازگشت در نیشابور، حاکم شهر از ما که همراهان مان به ۴۰۰ نفر می رسید، استقبالی با شکوه و پذیرایی ۱۵ روزه کرد. در نیشابور، یک نسخه خطی از دیوان ابن یمن به دستم رسید که در آن ۱۵ روز از روی آن نسخه ای برای خود نوشتم. از آن پس این فکر در من قدرت گرفت که یک کتابخانه بزرگ دائر کنم.»

حسین ملک ۶ سال پس از آن رخداد، از سوی پدر مامور خراسان می شود و در آن جا کتابخانه شیخ عبدالحسین - پسر شیخ عبدالحجیم بروجردی - را خریداری می کند. سپس کتابهای میرزا ارسطو- منشی کنسولگری روس را می خرد و با آن ها پی کتابخانه بزرگ آینده اش را بنا می نهد.

وی - به گفته خودش - پس از آن هرگاه می شنید جایی کتابی خطی هست، به سراغش می رفت و این گونه شهرتی به هم زد، به گونه ای که همه دارندگان کتاب، برای فروش کتاب قدیمی و خطی خود به وی مراجعه می کردند.

سپس حسین ملک، با رویدادی مواجه می شود: «در سال ۱۳۳۶ که پدرم درگذشت، این خانه را که خود در آن متولد شده ام، به کتابخانه اختصاص دادم. کتابخانه را به اندرونی خانه پدری بردم که عمارت آن را تجدید بنا کرده ام و دائر است.»

ملک سپس از انگیزه خود از تاسیس موزه سکه و فرش و قلمدان و نقاشی در خانه پدری می گوید: «برخی از مراجعین کتابخانه من، محققین خارجی هستند. آنان سوال می کنند که سکه های قدیم ایران و یا خطوط تاریخی و قلمدان ها، همان نشانه های تمدن کهن ما ایران را می توانند کجا تماشا کنند؛ و من برای سهولت کار آنان و نیز استفاده ملت ایران، دست به ایجاد این موزه زدم.» همانگونه که کوه را فرهاد نکند، بلکه عشق کند، کتابخانه و موزه ملی ملک را نیز عشق بنا کرد؛ زیرا ایجاد چنین بنیاد عظیم، یک کتابخانه ملی و موزه ای بزرگ - که در هر دیدار در گستره اقبانوسش غرق می شوی - از یک فرد ساخته نیست و کار یک دولت است؛ و شگفتی آور است هنگامی که در می یابیم بنیادش را فردی به نام حسین ملک پی افکنده است!

چشمانی که به حسین ملک بخشیده شده بود، به هر چیز این دنیایی، نه عادی که به شیفتگی می نگریست. همه افراد در آن ۱۵ روز معروف نیشابوری، به تفریح سپری می کردند، ولی وی کتابی خطی را برای استفاده شخصی باز نویسی می کرد؛ بیشتر افراد پول را هزینه خوشگذرانی می کردند، اما وی برای خرید کتاب و اشیا به کار می برد. آیا پدر در پدیداری چنین شخصیتی، نقش داشت؟

خود از پدر می گوید: «او یک فرد عادی نبود. باید روزگارا بگذرد تا یک نفر مانند او به وجود آید!»

ع - درویشی

گشت و گذاری در کتابخانه ملک

اینجا تاریخ ورق می خورد

با بخش کردن (بخشش چیزی به فرزندان)، (بخشش چیزی به یک گروه اجتماعی) و نیز (بخشش چیزی به کل جامعه) کمی ساده کرد؛ که زنده یاد حسین آقا ملک بیشتر به سومی عنایت داشت که امروز بازخوردش را در جامعه، می توان در موزه بسیار موفق ملک دید.

حسین آقا ملک به چیزی مگر کتاب و دانش و شعر دل بستگی نداشت، از این رو هرچه داشت می بخشید، از جمله ۲ میلیون متر از اراضی خانوادگی خود را به فرهنگیان آموزش پرورش واگذار کرد و همچنین باغی ۵ هزار متر مربعی را؛ که ارزشش در آن سال ها (دهه ۴۰) نزدیک به ۲ میلیون تومان برآورد شد. در برآوردی کلی، ملک، از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۴۰ خورشیدی در ۸ خیزش بخشایشگرانه خود، بیش از ۶۳ هزار هکتار از زمین های پدریش را به جامعه بخشید.

روایت روزنامه اطلاعات (۲۵ دی سال ۱۳۴۸) از این بخشش: «از طرف آقای حاج حسین ملک، از معارف نیکوکار و دانش دوست کشور، باغ معروف و زیبای ملک در شهر ری در اختیار اداره آموزش و پرورش آن شهرستان قرار گرفت تا برای احداث ساختمان چند باب دبستان و دبیرستان مورد استفاده قرار گیرد.



آقای ملک سوابق ممتدی در امور خیریه، ایجاد کتابخانه و احداث اماکن عمومی دارد و وقف کتابخانه ملک با ۳۵ هزار جلد کتاب گرانبها به آستان قدس رضوی، از جمله اقدامات خیرخواهانه و فرهنگی ایشان است.

از مجموع کتابهایی که در این کتابخانه نگهداری می شود، بیش از ۱۲ هزار جلد خطی و از لحاظ تاریخی و قدمت کم نظیر است. آقای ملک در طول زندگی خود، خدمات شایان توجهی به فرهنگ کشور روا داشته و با واگذاری املاک شخصی خود به موسسات فرهنگی، مقام والایی برای خود کسب کرده است.

کتابخانه؛ سیمای گذشته
هنگامی که از دروازه بزرگ وارد باغ ملی می شوم، از آن همه درختان تنومند، قارقار کلاغ ها، آواز چرخ ریسک ها، ساختمان های بزرگ کهن با ستون های عظیم و فضایی که به غایت ساکت است، ناخودآگاه به تهران خلوت قدیم می روم که اینک فقط در فیلم ها می توان از آن سراغ گرفت.

مهدی یساولی به پیشوازم می آید. می پرسم: کتابخانه ملک از اول این جا بود؟ می گوید: «نه، پیش تر تا سال ۱۳۷۵ در خانه پدری زنده یاد ملک برپا بود؛ اما ایشان از آغاز کار، گسترش آن را در سر داشت و بنای ساختمانی بزرگتر را پیش بینی می کرد؛ از اینرو در سال ۱۳۳۳ تکه زمینی را در همین باغ ملی (موزه کنونی) برای ساختمان جدید کتابخانه وقف کرد.

یساولی سپس در بایگانی موزه، روزنامه اطلاعات ۳۰ اردیبهشت سال ۱۳۳۹ را نشانم می دهد که روایتی است از ویژگی های آن زمان کتابخانه ملک: «از خیابان بوذرجمهری وارد مسجد شاه و از آنجا وارد بازار حلبی سازها می شویم.

در این بازار به کتابخانه ملی ملک، با دری از چوب گردو می رسیم؛ هنوز وارد راهرو ساختمان کتابخانه نشده ایم که چشمانم بر می خورد به تابلو مطالعه برای عموم آزاد است. راهرو به دو حیاط منتهی می شود.

وارد حیاط دوم که کتابخانه است، می شویم. این جا کتابخانه ملک با ۱۱ هزار جلد کتاب خطی، گنجینه گرانبهایی از یادگارهای فرهنگ و ادب درخشان ما در

«حسین آقا ملک - بنیانگذار موزه ملک: اگر مامور مشهد نمی شدم و در تهران مانده بودم، موزه ای ایجاد می کردم که با موزه انگلستان برابری کند - روزنامه اطلاعات، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۴۹».

اینک موزه ملک، دست کمی از موزه انگلستان ندارد. امروز در موزه های جهان، کارشناسان و پژوهشگران، کتاب های پایروس را با انبرک تورق می کنند، اما در موزه ملک شما می توانید کتاب هایی را با پیشینه ۱۰۰۰ سال، با دست خود ورق بزنید.

مهدی یساولی - مدیر روابط عمومی نمایشگاه نجوم موزه ملک، کتاب عبدالرحمان صوفی، ستاره شناس سده سوم هجری ایران را نشانم می دهد که در یک ویرتین کوچک شیشه ای قرار دارد که نمی توان به آن دست زد و تنها باید تماشایش کرد.

یساولی سپس صورالکواکب دیگری به دستم می دهد. شگفت زده می پرسم: «این هم خطی است و نسخه دوم همان کتاب عبدالرحمان صوفی؟» می گوید: «نه، نسخه چاپی همان کتاب است!»

کتاب / گنج

اگر اهمیت موزه ملک، برای ارزش بالای آثار هنری و یگانه و نفیس و تاریخی بودن آن ها است، امتیاز کتابخانه ملک (بیش از ۱۰۰ هزار جلد کتاب چاپی کمیاب و ۸۰۰ عنوان نشریه دوره ای ۸۰۰۰ مجلدی) برای ۱۹ هزار عنوان نسخه خطی است که آن را در شمار یکی از ۶ گنجینه بزرگ نسخ خطی ایران قرار داده است.

هنگامی بیشتر به غنای کتابخانه ملک پی می بریم که دریابیم دارای ۳۵۰۰ کتاب چاپ سنگی نیز هست. به گفته یساولی، بخش بزرگی از کتاب های چاپی، متعلق به پیش از سال ۱۳۲۰ خورشیدی است و در شمار نخستین کتاب های چاپی ایران قرار دارد.

در کتابخانه ملک، افزون بر وجود تالارهای مطالعه، بخش های پیشرفته ای برای مرمت نسخ خطی، عکاسی صنعتی، صحافی و جلدسازی وجود دارد و با همکاری ناشران خصوصی، کتاب های خطی را عینا بازسازی و چاپ می کند و در اختیارشان قرار می دهد تا احساس کنند یک کتاب خطی چندصدساله را به دست گرفته اند! در همین راستا تاکنون ۲ میلیون برگ از این دست کتاب ها اسکن شده و در کتابخانه دیجیتال (سایت موزه) و نیز خود کتابخانه، هم قابل دسترس است.

نقاشی ایرانی (مینیاتور) در کتاب های مصور قدیمی - که به آن ها وجهه تابلور کتاب بخشیده اند - در روندی ۱۰ سده ای به فراز رسیده اند.

یساولی در باره کتاب های بسیار گونه گون و مصور کتابخانه ملک، همچون شاهنامه بایسنغری و کلیله و دمنه بهرامشاهی می گوید: در سده های نخست، تزئین کتاب رونق گرفت و کتاب آرایبی در شاخه های وراقی، خوشنویسی، صحافی و جلدسازی بالید و نقاشی برای کمک به امور آموزش، به کتاب های ادبی راه جست.

درس امروز؛ موزه ملک!

موزه ملی ملک از آغاز اردیبهشت سال ۱۳۸۹ تاکنون با برگزاری نمایشگاه هایی به مدارس تهران رفته است و نیز برای برقراری ارتباط با دانشگاه ها و یاری پژوهشگران، طرح پشتیبانی از پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکترا را نیز برگزار می کند.

جالب است خواندن دفتری که بازتابنده دیدگاه های ساده دانش آموزان است: «موزه ملک از بهترین موزه های جهان است.»

بچه های دانش آموز در یادداشت های خود همچنین ابراز امیدواری کرده اند که موزه سالم بماند تا آیندگان هم بتوانند از آن بهره مند شوند؛ و نیز از لذتی که از تماشای موزه ملک برده اند، گفته اند و نتوانسته اند شگفتی خود را از دیدن قلمدان های موزه پوشیده نگه دارند. یکی هم گفته است که با کار آقای ملک، به مفهوم «بخشش» پی برده است.

بخشش؛ از خصوصی تا همگانی

بخشش، مفهوم پیچیده ای است که شاید بتوان آن را

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مغانیه) / نبش ممتاز

تلفکس: ۰۲۳۱۴۲۷۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

مجموعه سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

جمع‌آوری آثار مراجع عظام در یادمان کتابخانه ملی

معاون سازمان اسناد و کتابخانه ملی گفت: فضایی در کتابخانه ملی برای یادمان مراجع عظام در نظر گرفته شده است که آثار و دست‌نوشته‌های مربوط به حضرات آیات در آن محل جمع‌آوری و ارائه می‌شود.

غلامرضا امیرخانی، معاون سازمان اسناد و کتابخانه ملی درباره یادمان مراجع عظام در کتابخانه ملی گفت: فضایی در محل کتابخانه ملی برای این موضوع در نظر گرفته می‌شود و به زودی کار اسکن و تصویربرداری از آثار و دست‌نوشته‌های آنها انجام و به معرفی مراجع عظام، فعالیت‌ها و زندگی آنها پرداخته می‌شود تا این اسناد در اختیار پژوهشگران قرار گیرد.

وی با بیان اینکه در ابتدای کار به معرفی مراجع عظامی که در قید حیات هستند می‌پردازیم، تصریح کرد: از دیدگاه ما اسناد مربوط به مراجع عظام، هویت تاریخی و میراث فرهنگی کشورمان محسوب می‌شود و پژوهشگران باید به آنها دسترسی داشته باشند و در این راستا سازمان اسناد و کتابخانه ملی وظیفه جمع‌آوری این اسناد و اطلاع‌رسانی آنها به پژوهشگران و محققان را برعهده دارد.

امیرخانی ادامه داد: این موضوع جزء برنامه‌ها و سیاست‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی در سال جاری است و به زودی کارهای عملیاتی و اجرایی آن آغاز می‌شود و از سوی دیگر علاوه بر این برنامه، برنامه‌هایی چون تدوین دانشنامه اسناد، فعال‌سازی و پویاسازی پژوهشکده اسناد و مرکز اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی، گسترش سطح تولیدات و انتشارات علمی، پژوهشی و تاریخی، توجه جدی به تاریخ شفاهی و جمع‌آوری گسترده کتب و نسخ خطی جزء اهداف سازمان است و در آینده نزدیک در دستور کار قرار خواهند گرفت.

وی درباره تدوین دانشنامه فرهنگ نیز گفت: سیدرضا صالحی‌امیری، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی که خود صاحب ده‌ها عنوان کتاب و بیش از ۵۰ عنوان مقاله در رابطه با موضوعات فرهنگی است، گروه خوبی را برای تدوین دانشنامه فرهنگ تشکیل داده که جزئیات آن در آینده نزدیک منتشر خواهد شد.

امیرخانی با اشاره به گروه دانشنامه فرهنگ افزود: در این گروه افرادی چون حسن امیرشاهی، بهاءالدین خرمشاهی و کامران فانی برای تدوین این دانشنامه حضور دارند و قرار است که مرجع کاملی در رابطه با فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی، خانواده ایرانی، ایران‌شناسی، اسلام‌شناسی و ... باشد که به ترتیب حروف الفبا بوده و در حال حاضر مرحله مقدماتی خود را سپری می‌کند.

معاون کتابخانه ملی با بیان اینکه این اقدام در بخش پژوهش‌های بنیادی سازمان انجام می‌شود، اظهار کرد: در این دانشنامه مجموعه‌ای از واژه‌های تخصصی در حوزه فرهنگی و اسلامی ایران تدوین خواهد شد و این اثر به صورت توصیفی به تبیین و تشریح واژه‌ها خواهد پرداخت.

گفتگو با مترجم دوره ۲۰ جلدی شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

نهج البلاغه کتاب زندگی

فلسفی، پند، اندرز و همه موضوع‌ها به قدر کفایت پرداخته است. در علوم دوره خود از فلسفه، ادبیات، فقه، حکمت، تاریخ و... سرآمد بوده است.

قبل از شما، فرد دیگری ترجمه شرح ابن ابی الحدید را به فارسی ترجمه کرده بود؟

بله، به بخش‌هایی از دو ترجمه که نسخه‌های خطی آنها در کتابخانه ملی و کتابخانه دانشگاه تهران بود دست پیدا کردم البته هر دو ترجمه شامل ترجمه تنها چند جلد بود و گویی از زمان صفویه باقی مانده است. متن آنها هم نزدیک به فارسی امروز نیست.

در جلد هفدهم چه مباحثی مطرح شده



است؟

هدف سید رضی در نهج البلاغه با توجه به این که هنوز سخنان حضرت امیر(ع) در دسترس بوده است، این بوده که منتخبی از سخنان حضرت امیر(ع) را جمع‌آوری کند. یعنی به دنبال فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین سخنان بوده و در نهج البلاغه زیاد توجهی به دسته‌بندی موضوع‌ها نداشته است. مباحث هم دارای تنوع است. البته بنده در سرفصل ترجمه، اشاره موضوعی داشتم که آن فصل اشاره به چه موضوع‌هایی دارد. چون مباحث نهج البلاغه موضوعی نیست نمی‌توان موضوع‌های این جلد را تقسیم‌بندی کرد.

نهج البلاغه در لغت به چه معناست؟

نهج البلاغه در لغت به معنای راه روشن است و در فارسی به معنای بزرگراه یا شاهراه است. نهج به معنای روش و بلاغت به معنای رسایی و شیوایی. در ادبیات عرب به بلاغت و فصاحت به ایجاز و اختصار بلاغت می‌گویند. بلاغت به معنای رسایی کلام و فصاحت به معنای شیوایی کلام است.

استقبال از کتاب چه میزان بوده است؟

ظاهراً از کتاب استقبال شده است. ناشر تا جلد ۵ و ۶ را تجدید چاپ کرده است. قصد بازار گرمی ندارم هدف من از انجام این کار جذابیته بود که حضرت امیر(ع) و شخصیت ایشان داشتند. با توجه به این که محتوای کتاب فنی و سطح بالاست و زبانش ساده نیست به نظر می‌رسد توجه افرادی که در این سطح کار می‌کرده‌اند را جلب کرده است.

کتاب برای چه قشری قابل استفاده است؟

زبان کتاب ساده نیست و باید با دقت خوانده شود. همه می‌توانند استفاده کنند اما نه از همه بخش‌هایش. کسی می‌تواند استفاده مطلوب داشته باشد که ادبیات عرب بداند. چون ابن ابی الحدید از ابتدا برای آماتورها

نهج البلاغه خوان‌ها، یک بار هم که شده نام «غلامرضا لایقی» را شنیده‌اند. نویسنده‌ای که مجموعه‌ای از ترجمه شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید را در نشر نیستان منتشر کرده است. به تازگی نیز جلد هفدهم این مجموعه ۲۰ جلدی به بازار آمده است. او که مدیر مسئول و سردبیر ماهنامه «اطلاع» است در گفت‌وگو با «ایران» از خصوصیات ترجمه شرح ابن ابی الحدید می‌گوید و ضرورت اجرایی شدن مفاد نهج البلاغه در حکومت اسلامی. قرار مصاحبه نداشتیم. چند ساعت مانده به اذان مغرب، که روزه توان جسمی را با خود می‌برد، با این که راضی به مصاحبه نبود، به اصرارهایمان برای مصاحبه نه‌نگفت و با روی گشاده درخواستمان را پذیرفت. او درباره کتاب بعدی که دلش می‌خواهد منتشر کند نیز به ایران گفت: «نهج البلاغه برای کودکان را نوشته‌ام اما دلم می‌خواهد نهج البلاغه برای نوجوانان را هم بنویسم.» گفت و گوی ایران با این نویسنده را بخوانید.

چه شد سراغ شرح ابن ابی الحدید رفتید؟

ابن ابی الحدید دانش بالا و معرفت بالایی داشته و مقام حضرت امیر(ع) را درک کرده است. او ۷ قصیده هم برای حضرت امیر(ع) سروده است که در کتاب «قصایدعلویات سبع» ابن ابی الحدید ترجمه کرده‌ام. وی با تحقیق در مورد شخصیت حضرت امیر(ع) عاشق حضرت می‌شود و عشق وافر به ایشان پیدا می‌کند.

آیا این که ابن ابی الحدید معتزلی بوده، در شرحی که نوشته تأثیر نگذاشته است؟

این شخصیت واقعاً در علوم و فنون مختلف روز خود دانشمند بوده است و در کتب بسیاری به خصایل و ویژگی‌های حضرت امیر(ع) پرداخته است. اگرچه سنی بوده ولی عاشق حضرت امیر(ع) بوده است. در زمان ابن ابی الحدید که در قرن ششم بوده است فلسفه و بحث‌های فلسفی رواج داشته است. به دنبال آن هم مباحثی مربوط به اختلافات شیعه و سنی در مباحث مربوط به خلافت که بحثی دقیق و پیچیده است، مطرح می‌شده است. همان‌طور که گفتیم ابن ابی الحدید مقام حضرت امیر(ع) را به درستی درک کرده بود.

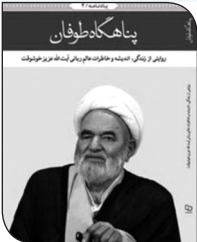
این عشق از کجا ناشی می‌شد؟

اگر بخواهیم حضرت امیر(ع) را با آدم‌های معروف تاریخ که همه می‌شناسند قیاس کنیم مانند این است که آسمانخراشی را با یک خانه کوچک قیاس کرده باشیم. بنابراین نمی‌توان به راحتی از کنار این شخصیت بلند مرتبه گذشت. من معتقدم هر کس شمه‌ای از حضرت امیر(ع) را بخواند یا بشنود محو ایشان می‌شود. اگر تاریخ را زیر و رو کنید کسی که این خصوصیات را در معرفت، کمال، عرفان و... داشته باشد نمی‌یابید. به همین دلیل است که ایشان در صدر عرفا بوده است و فضایل خوب انسانی را در حد غایت داشته است. هر کسی منصف باشد و روحش آلوده نشده باشد نمی‌تواند کسی را در مقام قیاس با حضرت امیر(ع) بداند. قوی‌ترین و مفصل‌ترین و جامع‌ترین کتابی که در تاریخ وجود داشته است، نهج البلاغه است که به موضوع‌های کلامی، حکمی، اگر بخواهیم حضرت امیر(ع) را با آدم‌های معروف تاریخ که همه می‌شناسند قیاس کنیم مانند این است که آسمانخراشی را با یک خانه کوچک قیاس کرده باشیم. بنابراین نمی‌توان به راحتی از کنار این شخصیت بلند مرتبه گذشت. من معتقدم هر کس شمه‌ای از حضرت امیر(ع) را بخواند یا بشنود محو ایشان می‌شود. اگر تاریخ را زیر و رو کنید کسی که این خصوصیات را در معرفت، کمال، عرفان و... داشته باشد نمی‌یابید. به همین دلیل است که ایشان در صدر عرفا بوده است و فضایل خوب انسانی را در حد غایت داشته است. هر کسی منصف باشد و روحش آلوده نشده باشد نمی‌تواند کسی را در مقام قیاس با حضرت امیر(ع) بداند. قوی‌ترین و مفصل‌ترین و جامع‌ترین کتابی که در تاریخ وجود داشته است، نهج البلاغه است که به موضوع‌های کلامی، حکمی،

«پناهگاه طوفان» یادنامه‌ای برای استاد اخلاق تهران

و... بخش پنجم هم گزیده پیام‌های تسلیت شخصیت و نهادهای انقلابی و مذهبی به مناسبت ارتحال آیت‌الله خوشوقت است، در پایان کتاب هم عکس‌هایی از این استاد برجسته اخلاق نقش بسته است.

چاپ اول این یادنامه در ۲۱۶ صفحه، دو رنگ، قطع پالتویی، تیراژ ۲۰۰۰ نسخه و قیمت ۵۷۰۰ تومان به جامعه فرهنگی و دینی کشور تقدیم شده است. دفتر نشر معارف که در این مجموعه یادنامه که به دنبال شناساندن علمای بلاد و کمتر شناخته شده به نسل جوان و دانشجو است، در دفتر اول «گوهر گمشده» را درباره آیت‌الله العظمی میرزا هاشم آملی منتشر کرده و به زودی دفتر سوم و چهارم این یادنامه درباره مرحوم آیت‌الله صالحی‌مازندرانی و مرحوم آیت‌الله سید مهدی روحانی منتشر می‌کند.



و خاطرات آیت‌الله بیان شده است. در این بخش گفتارها و نوشتارهایی از حضرات آیات و حجج اسلام ممدوحی، کاظم صدیقی، قرهی، صفایی بوشهری، صادقی رشاد، احسان شیرخدا و دکتر رودگر می‌آید.

همچنین زندگی، خاطرات، سلوک و رفتار سیاسی آیت‌الله خوشوقت در قالب

خاطرات و نظرات شخصیت‌های مختلف در این باره آمده است از جمله نظرات حضرات آیات مصباح یزدی، امامی کاشانی، رضا استادی، بخشی کرمانشاهی، جاودان، فیاضی، کعبی، و اساتید و شخصیت‌هایی چون دکتر آقانه‌رانی، دکتر خسروپناه، مرتضی جوادی آملی، محمدرضا زائری، پناهیان، یحیی عابدی، محمدرضا سرشار، رحیم مخدومی، سعید حدادیان، اکبر اجل، سید محمود علوی، باقری لنکرانی، محمدباقر قالیباف